



## **بررسی ظرفیت بیمه تسهیلات جهت کاهش معوقات بانکی در بانکداری اسلامی**

محمدجواد توکلی\*

\* استادیار گروه اقتصاد مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی (ره)

### چکیده

یکی از مشکلات موجود در نظام بانکداری بدون ربا، چگونگی مدیریت بازگشت منابع، بدون استفاده از سازوکارهای ربوی است. وجود تردید ربا در زمینه جریمه تأخیر تأدیه و همچنین ناتوانایی آن در کنترل رشد معوقات بانکی، ضرورت استفاده از ابزارهای تکمیلی را دو چندان می‌کند. در این مقاله به بررسی امکان بهره‌گیری از تجربه بانک‌های اسلامی از سازوکار بیمه برای مدیریت بازگشت منابع می‌پردازیم. یافته‌های تحقیق که به روش تحلیلی انجام شده است نشان می‌دهد که استفاده از بیمه تسهیلات در کنار راهکارهایی چون تقویت نظام اعتبارسنجی و نظارت، موجب کاهش معوقات بانکی می‌شود. از این‌رو دو سازوکار متفاوت برای بیمه تسهیلات خرد و کلان پیشنهاد شده است. بیمه تسهیلات خرد مشابه طرحی است که در بانک‌های اسلامی به‌عنوان صندوق بیمه دوجانبه معرفی شده است. در طرح پیشنهادی ایرادهای صندوق بیمه دوجانبه با گنجاندن برخی سازوکارهای تشویقی و همچنین پیشنهاد بیمه برون بانکی جهت تسهیلات کلان ترمیم شده است.

**واژگان کلیدی:** بانکداری اسلامی، مدیریت بازگشت منابع، جریمه تأخیر، وجه التزام، بیمه تسهیلات، اعتبارسنجی، نظارت.

## مقدمه

یکی از چالش‌های پیش روی بانک‌های اسلامی مسئله مدیریت بازگشت اصل تسهیلات پرداختی و تحصیل سود انتظاری از طرح‌های تأمین مالی شده است. این مشکل که گاه از آن با عنوان ریسک نکول یاد می‌شود در نظام بانکی متعارف نیز به صورت ریسک عدم بازپرداخت بدهی‌ها وجود دارد. در نظام بانکداری اسلامی ترکیبی از ریسک عدم بازپرداخت بدهی‌ها در تأمین مالی غیرانتفاعی و مبادله‌ای و ریسک عدم بازگشت اصل سرمایه و ریسک درآمدی در تأمین مالی مشارکتی وجود دارد. مشکل از آنجا ناشی می‌شود که گیرندگان تسهیلات به هر دلیلی قادر و یا مایل به برگرداندن اصل سرمایه تأمین مالی شده و پرداخت سود انتظاری نباشند.

بانک‌های اسلامی برای رویارویی با ریسک نکول، سازوکارهای متفاوتی را مورد استفاده قرار داده‌اند. شاید مهم‌ترین و چالش برانگیزترین سازوکار موجود استفاده از جریمه تأخیر تأدیه باشد. بانک‌های اسلامی همچنین از سازوکارهایی چون گرفتن وثیقه و ضامن نیز برای اطمینان از بازپرداخت تسهیلات استفاده می‌کنند. برخی از بانک‌های اسلامی از شیوه‌های اعتمادسازی چون ضمانت گروهی نیز استفاده کرده‌اند. در برخی از بانک‌های اسلامی نیز برای رویارویی با خطرات نکول، از سازوکارهایی چون بیمه تسهیلات استفاده شده است.

در میان روش‌های مورد استفاده در مدیریت بازگشت منابع در بانک‌های اسلامی، مهم‌ترین سازوکار مورد استفاده سازوکار جریمه تأخیر است. این روش با مشکلاتی چون وجود شبهه ربا، نبود سازوکار حمایت از بدهکاران معسر رنج می‌برد.

یکی از استدلال‌های مدافعان جریمه تأخیر این است که نظام بانکی چاره‌ای جز گرفتن جریمه ندارد؛ وگرنه جمع زیادی از گیرندگان تسهیلات از دادن به‌موقع آن سر باز می‌زنند. به‌نظر می‌رسد که ادعای نبودن جایگزین جریمه تأخیر، ناشی از کاستی‌های موجود در بررسی تجربه بانک‌های اسلامی و همچنین ضعف طراحی در بانک‌های اسلامی است. بدین منظور، مقاله به بررسی امکان استفاده از تجربه بانک‌های اسلامی در معرفی بیمه تسهیلات جهت کاهش معوقات بانکی می‌پردازد.

در ادامه، پس از بررسی پیشینه تحقیق، به سنخ‌شناسی مطالبات بانکی می‌پردازیم. در ادامه وضعیت معوقات بانکی در نظام بانکی کشور و همچنین دلایل بروز و تشدید آن مورد بررسی قرار می‌گیرد. در ادامه، سازوکارهای متعارف مدیریت بازگشت منابع در بانک‌های اسلامی براساس دو معیار مشروعیت و کارآمدی بررسی می‌شود. در بخش بعد به بررسی ظرفیت بیمه تسهیلات به منظور مدیریت بازگشت منابع در بانکداری اسلامی می‌پردازیم.

### ۱- پیشینه تحقیق

در زمینه راهکارهای کاهش مطالبات معوق بانکی در بانکداری بدون ربا مطالعات پدافندانه‌ای انجام نشده است. در ادامه به برخی از مهم‌ترین این مطالعات اشاره می‌کنیم:

الف- حیدری (۱۳۸۳) با استفاده از الگوی لاجیت معمولی به بررسی راهکارهای بهبود وصول و کاهش مطالبات معوق بانک کشاورزی در استان کردستان پرداخته و نشان می‌دهد که افزایش مدت زمان بازپرداخت تسهیلات باعث افزایش میزان بازپرداخت می‌شود. وی معتقد است که همین امر دلیل آن است که وصول مطالبات مربوط به تسهیلات جاری بیش‌ترین حجم و وصول تسهیلات سرمایه‌ای کم‌ترین میزان وصولی را دارد.

ب- موسویان (۱۳۸۵) در مقاله‌ای با عنوان «بررسی راهکارهای حل مشکل تأخیر تأدیه در بانک‌های بدون ربا»، پس از بررسی علل تأخیر تأدیه و آثار آن، برخی راهکارهای پیشنهادی برای مقابله با مشکل را براساس معیارهایی چون مشروعیت و کارایی ارزیابی می‌کند. به نظر ایشان، از آنجا که مشکل تأخیر بازپرداخت‌ها عوامل متعدد دارد، نباید برای همه راه حل یکسان داد.

ج- قلیچ (۱۳۸۹) در مقاله‌ای با عنوان «جریمه تأخیر تأدیه در بانکداری بدون ربا؛ تحلیل مشکلات و ارائه راهکارهای جدید» ضمن تجزیه و تحلیل عوامل بروز مشکل، به بررسی راه‌حل‌های پیشنهادی از جمله وثیقه و ضمانت، اشتراط خسارت تأخیر، شرط ضمن عقد جریمه دیرکرد، شرط پرداخت قرض بدون بهره، تعزیر مالی متخلف پرداخته است. وی در پایان گفته است که به‌دلیل اختلاف‌های فقهی موجود در

زمینه راه جریمه تأخیر به صورت شرط ضمن عقد، استفاده از راهکار تلفیقی اخذ وثیقه و تعزیر مالی تأخیرکننده مناسب است. (قلیچ، ۱۳۸۹، ص ۶۷-۶۸).

د- اسلامی و همکاران (۱۳۹۰) در مقاله‌ای با عنوان «بیمه اعتباری، ابزار نوین مالی برای کاهش مطالبات معوق بانکها با رویکرد توسعه نهادهای مالی کشور»، نکول را به دو عامل عدم توانایی و عدم تمایل مشتری در بازپرداخت تسهیلات نسبت می‌دهند. نویسندگان مقاله این فرضیه را تقویت می‌کنند که بیمه اعتباری می‌تواند موجب کاهش نکول مشتریان و کاهش مطالبات معوق بانکها و مؤسسات مالی شود.

ه- مرادی (۱۳۹۲) در مقاله‌ای با عنوان «الگوی مناسب جهت وصول مطالبات بانکی» بین عوامل برون سازمانی و درون سازمانی تأثیرگذار بر معوق شدن مطالبات تفکیک قائل شده است. برخی از راهکارهای پیشنهادی در این مقاله عبارت‌اند از: ایجاد نهادهای جدید پولی و مالی به منظور کاهش ریسک اعتباری بانکها، ایجاد بانک اطلاعات و سیستم وصول مطالبات، جلوگیری از استفاده از شرکت‌های اقماری از تسهیلات بانکها، ایجاد سازوکار ثبت و نگهداری مطالبات غیر جاری و سیستم اخطار به مسئولان شعب، پیگیری دقیق آمار مطالبات معوق از سوی ادارات پیگیری و وصول مطالبات بانکها، توجه دقیق به صورت‌های مالی مشتریان هنگام اعطای تسهیلات، تقویت کادر کارشناسی بانکها، نظارت دقیق بر مصرف تسهیلات اعطایی، بهبود اعتبارسنجی، اخذ گواهی‌های با ارزش کالا، اخذ وثایق و تضمین‌های کافی، تشکیل دادگاه‌های خاص برای رسیدگی به پرونده معوقات، تسریع در پرداخت بدهی دولت به بانکها، واگذاری سهام شرکت‌های دولتی به جای بدهی آنها به بانکها.

و- نجف (۱۳۹۲) پس از بررسی عوامل مؤثر در ایجاد معوقات بانکی، چند پیشنهاد اساسی از جمله آموزش کارکنان بانکها، عدم به کارگیری کارکنان سال‌های آخر خدمت در امور اجرایی اعطای تسهیلات، ایجاد سیستم مکانیزه براساس مستندات واقعی مشتری در اعطای یکسان‌سازی میزان نرخ تسهیلات در کل شبکه‌های بانکی، مکانیزه کردن فرایند اعطای تسهیلات، ایجاد فرایندهای نظارتی الکترونیکی خارج از حدود کنترل کادر کمیته‌های اعتباری بانکها، شفاف و یکنواخت کردن قوانین به

منظور سرعت بخشیدن به فرآیند رسیدگی به پرونده‌های قضایی و افزایش وثایق مطرح کرده است.

در این مقاله با استفاده از دستاوردهای مطالعات پیشین به بررسی ظرفیت استفاده از بیمه تسهیلات، به منظور کاهش معوقات بانکی می‌پردازیم. این شیوه در قالب بیمه تبادلی در برخی از بانک‌های اسلامی، از جمله بانک اسلامی اردن استفاده می‌شود. در این مقاله ضمن آسیب‌شناسی این روش، به بهبود و گسترش آن می‌پردازیم.

#### ۱-۱- سنخ‌شناسی مطالبات بانکی

در آیین‌نامه جدید وصول مطالبات بانکی مصوب سال ۱۳۸۸، بین دو دسته مطالبات جاری و غیرجاری (ارزی و غیرارزی) و سه دسته مطالبات غیرجاری سررسید گذشته، معوق و مشکوک‌الوصول به شرح زیر تفکیک شده است:

اول- مطالبات جاری: مطالباتی که از سررسید آن بیش از دو ماه نگذشته باشد.  
دوم- مطالبات غیرجاری: شامل مطالبات سررسید گذشته، معوق و مشکوک‌الوصول است.

الف- مطالبات سررسید گذشته: مطالباتی که از تاریخ سررسید بدهی و یا تاریخ قطعی بازپرداخت اقساط آن بیش از دو ماه گذشته و از شش ماه تجاوز نکرده است.

ب- مطالبات معوق: مطالباتی که بیش از شش ماه و کم‌تر از هجده ماه از تاریخ سررسید و یا تاریخ قطع بازپرداخت اقساط آن سپری شده است.

ج- مطالبات مشکوک‌الوصول: مطالباتی که بیش از هجده ماه از تاریخ سررسید و یا از تاریخ قطع بازپرداخت اقساط آن سپری شده است.

همچنین در این آیین‌نامه از برخی مطالبات بانکی با عنوان «مطالبات سوخت شده» یاد شده است. این دسته شامل آن بخش از مطالبات مؤسسه اعتباری است که صرف نظر از تاریخ سررسید به دلایل متقن از قبیل فوت یا ورشکستگی بدهکار و یا علل دیگر قابل وصول نبوده و با رعایت ضوابط مربوط، به‌عنوان مطالبات سوخت شده تلقی شده است.

جدول شماره ۱: انواع مطالبات بانکی در نظام بانکی جمهوری اسلامی ایران

مطالبات	شرح
جاری	تأخیر کم‌تر از ۲ ماه در پرداخت اقساط
غیر جاری	سررسید گذشته
	تأخیر بین ۲ تا ۶ ماه در پرداخت اقساط
	معوق
سوخت شده	مشکوک‌الوصول
	مطالبات غیرقابل وصول به دلایلی چون فوت یا ورشکستگی بدهکار

مأخذ: آیین‌نامه وصول مطالبات بانکی مصوب ۱۳۸۸

بنا به اصلاحیه ماده ۱۱ وصول مطالبات سررسید گذشته، معوق و مشکوک‌الوصول مؤسسات اعتباری (ریالی و ارزی) در سال ۱۳۹۲، این مؤسسات به منظور تسهیل تسویه بدهی‌های غیرجاری مشتریان می‌توانند با رعایت قوانین و مقررات مربوط برای یک بار با استفاده از یکی از راهکارهای زیر یا ترکیبی از آن‌ها نسبت به تعیین تکلیف بدهی مشتری اقدام کنند:

- بخشش وجه التزام تأخیر تأدیه دین حداکثر به میزان مابه‌التفاوت نرخ وجه التزام تأخیر تأدیه دین با نرخ سود تسهیلات مندرج در قرارداد؛
- تقسیط دوباره بدهی حداکثر به مدت پنج سال؛ و
- امهال بدهی حداکثر به مدت شش ماه.

براساس آیین‌نامه وصول مطالبات بانکی مصوب سال ۱۳۸۸، امهال در مطالبات بانکی به معنای مهلت دادن به بدهکاران برای بازپرداخت بدهی در چارچوب قوانین و مقررات موضوعه و تقسیط به معنای قسط‌بندی بدهی بدهکارانی است که مطالبات آن‌ها در طبقات سررسید گذشته، معوق و مشکوک‌الوصول قرار دارد.

## ۲-۱- وضعیت معوقات بانکی در نظام بانکی کشور

در سال‌های اخیر سطح مطالبات غیرجاری بانک‌ها در نظام بانکی کشور روندی رو به رشد داشته است. براساس اطلاعات مندرج در گزارش عملکرد نظام بانکی کشور طی سال‌های ۱۳۸۷-۱۳۸۲، میزان تسهیلات اعطایی بانک‌ها حدود ۳۰۰ درصد رشد

داشته، لیکن میزان مطالبات بانکی به میزان ۹۳۰ درصد افزایش نشان داده است (اسلامی و همکاران، ۱۳۹۰، ص ۳۲).

براساس اعلام بانک مرکزی، مانده مطالبات غیرجاری بانکها در سال ۱۳۹۲ به حدود ۸۰ هزار میلیارد تومان رسیده که معادل ۱۵/۴٪ از کل تسهیلات اعطایی نظام بانکی و ۱۳/۵ درصد نقدینگی کشور (معادل حدود ۵۹۰ هزار میلیارد تومان) است.<sup>۱</sup> با احتساب نرخ ۳۰۰۰ تومان به ازای هر دلار، میزان مطالبات غیرجاری بانکها در پایان سال ۱۳۹۲ حدود ۲۷ میلیارد دلار محاسبه می شود (عزیزنژاد و همکاران ۱۳۹۳، ص ۳).

جدول شماره ۲، روند تغییرات مطالبات جاری بانکها متشکل از مطالبات سررسید گذشته، معوق و مشکوک الوصول بانکها را برای سالهای ۱۳۸۸ تا ۱۳۹۲ نشان می دهد. ارقام جدول براساس گزارش تفصیلی بانکهای دولتی و خصوصی محاسبه شده است.

جدول شماره ۲: مانده مطالبات سررسید گذشته، معوق و مشکوک الوصول بانکها

(ارقام به میلیارد ریال)

شرح	۱۳۸۸	۱۳۸۹	۱۳۹۰	۱۳۹۱	۱۳۹۲	درصد تغییرات
مانده مطالبات سررسید گذشته	۹۳,۰۴۱	۹۰,۹۷۷	۱۴۲,۳۰۲	۱۲۰,۱۷۰	۱۵۵,۵۴۵	٪۶۷
تکلیفی	۲,۹۵۴	۱,۶۴۵	۱,۷۰۶	۱,۶۸۲	۱,۸۱۳	-٪۴۹
غیر تکلیفی	۹۰,۰۸۷	۸۹,۳۳۲	۱۴۰,۵۹۵	۱۱۸,۴۸۸	۱۵۳,۷۳۲	٪۷۱
مانده مطالبات معوق	۱۱۶,۴۳۵	۱۱۳,۱۳۵	۱۲۶,۵۲۲	۱۳۳,۶۵۱	۱۱۵,۸۰۱	-٪۱
تکلیفی	۵,۲۶۴	۴,۱۴۰	۴,۶۳۸	۳,۳۹۶	۲,۹۳۴	-٪۴۴
غیر تکلیفی	۱۱۱,۱۷۱	۱۰۸,۹۹۴	۱۲۱,۸۸۴	۱۳۰,۲۵۵	۱۱۲,۸۶۷	٪۲
مانده مطالبات مشکوک الوصول	۲۲۶,۶۶۷	۲۴۹,۲۰۹	۳۱۷,۴۱۱	۳۶۶,۰۳۹	۵۰۰,۳۱۰	٪۱۲۱
تکلیفی	۱۴,۱۱۶	۱۲,۲۷۸	۱۵,۴۰۲	۱۸,۹۶۸	۱۴,۶۷۰	٪۴
غیر تکلیفی	۲۱۲,۵۵۰	۲۳۶,۹۳۱	۳۰۲,۰۰۸	۳۴۷,۰۷۱	۴۸۵,۶۴۰	٪۱۲۹
مجموع مانده مطالبات سررسید گذشته، معوق و مشکوک الوصول	۴۳۶,۱۳۶	۴۵۳,۳۱۳	۵۸۶,۲۲۴	۶۱۹,۸۴۸	۷۷۱,۶۴۳	٪۷۷
رشد مجموع	-	٪۴	٪۲۹	٪۶	٪۲۵	٪۷۷

مأخذ: گزارش بانکها به بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران (محاسبات توسط نگارنده)

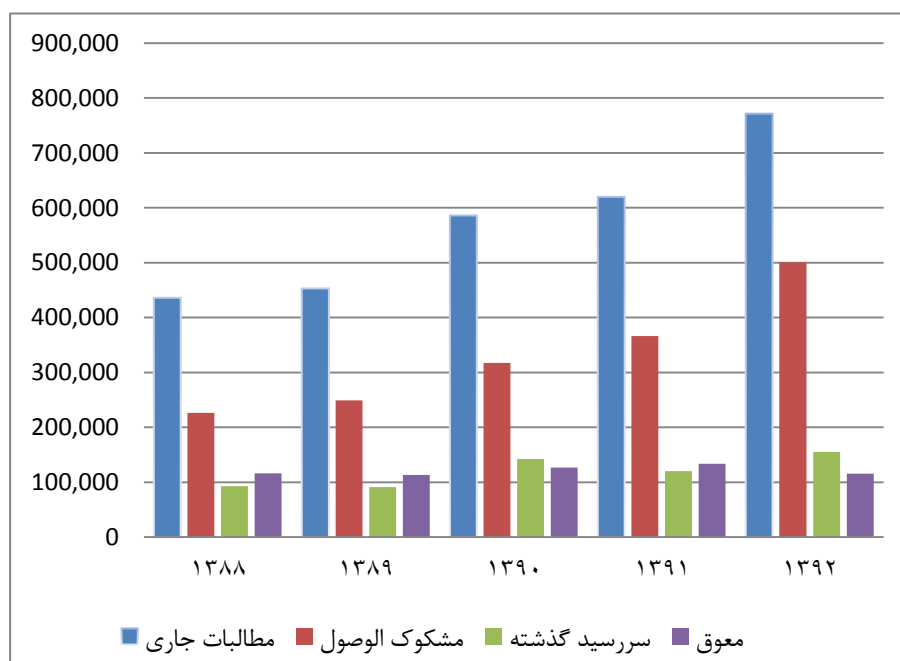
<sup>۱</sup> www.cbi.ir/showitem/11406.aspx



براساس اطلاعات جدول شماره ۲، طی پنج سال اخیر، مانده مطالبات نظام بانکی رشدی ۷۷ درصدی داشته و از ۴۳ هزار میلیارد تومان در سال ۱۳۸۸ به ۷۷ هزار میلیارد تومان در سال ۱۳۹۲ افزایش یافته است. بیشترین نرخ رشد به مانده مطالبات مشکوک‌الوصول ۱۲ درصد و مانده مطالبات سررسید گذشته ۶۷ درصد اختصاص داشته و مانده مطالبات معوق طی این دوره کاهش یک درصدی را تجربه کرده است. روند تغییرات مانده مطالبات جاری، سررسید گذشته، معوق و مشکوک‌الوصول بانک‌ها طی دوره پنج ساله ۱۳۸۸-۱۳۹۲ در نمودار شماره ۱ نشان داده شده است.

نمودار شماره ۱: مانده مطالبات جاری، سررسید گذشته، معوق و مشکوک‌الوصول بانک‌ها  
دوره ۱۳۸۸-۱۳۹۲ (نمودار ستونی)

(میلیارد ریال)

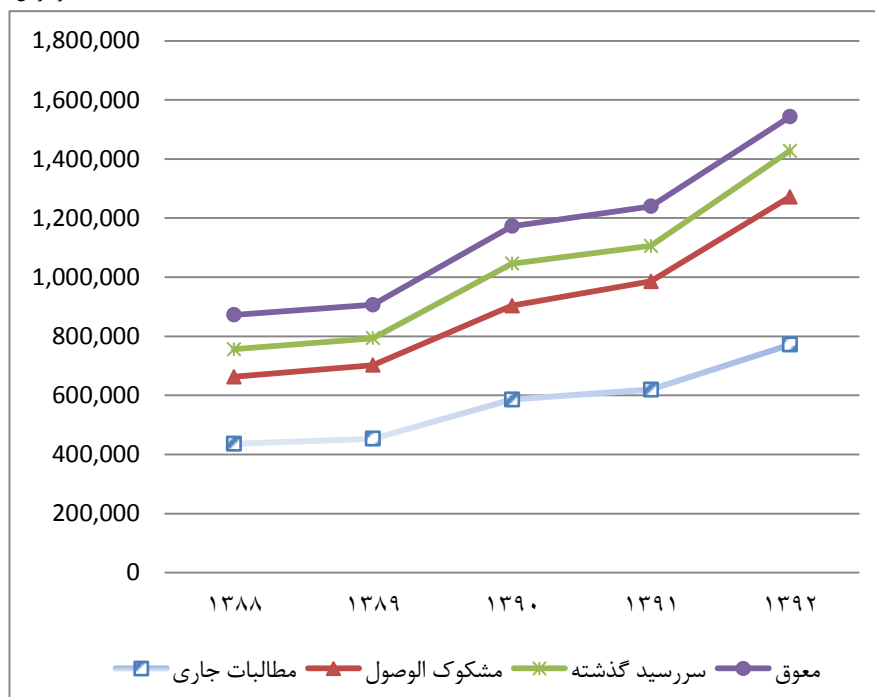


مأخذ: اطلاعات جدول شماره (۲)

نمودار شماره ۲، تصویر روشن‌تری از روند تغییرات مطالبات نظام بانکی کشور طی دوره ۱۳۸۸-۱۳۹۲ را نشان می‌دهد. همان‌گونه که مشاهده می‌شود همه انواع مطالبات در این دوره روند رو به رشدی داشته‌اند.

نمودار شماره ۲: مانده مطالبات جاری، سررسید گذشته، معوق و مشکوک‌الوصول بانکها  
(نمودار خطی) ۱۳۸۸-۱۳۹۲

(میلیارد ریال)



مأخذ: اطلاعات جدول شماره (۲)

### ۳-۱- دلایل بروز و تشدید مشکل تأخیر در بازپرداخت تسهیلات

بروز و تشدید مشکل معوقات در نظام بانکی کشور متأثر از عوامل متفاوتی است. از جمله موارد مطرح شده به‌عنوان دلایل افزایش در خور توجه مطالبات معوق سیستم بانکی، می‌توان از مواردی همچون: نبود بانک جامع اطلاعاتی مشتریان برای مؤسسات مالی و اعتباری

(بانک‌ها و بیمه‌ها)، شفافیت نبودن مراودات و معاملات صورت گرفته توسط فعالان اقتصادی، شرایط نامناسب اقتصادی کشور، فشار دولت به بانک‌ها در اعطای تسهیلات تکلیفی، اتخاذ سیاست‌های دستوری در تعیین نرخ سود تسهیلات بانک‌ها، پایین بودن نرخ جریمه تأخیر، اتخاذ سیاست‌های بخشودگی جرایم، امهال تسهیلات اعطایی، وجود قوانین دست و پاگیر در ارتباط با تملیک وثایق از سوی بانک‌ها و ناتوانایی تسهیلات گیرنده در اثر فوت و از کار افتادگی نام برد (اسلامی و همکاران، ۱۳۹۰، ص ۳۲).

نتایج یک مطالعه میدانی توسط دفتر مطالعات اقتصادی مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی (۱۳۹۳)، نشان می‌دهد که عدم وصول مطالبات غیرجاری بانک‌ها در زمینه فرآیند وثیقه‌ها و تضمین‌ها را می‌توان به ۱۳ عامل عمده زیر نسبت داد:

- ۱- نبود بانک جامع اطلاعات در خصوص وثایق مشتریان و گیرندگان تسهیلات؛
- ۲- ارتباط نداشتن شعب بانک‌ها با یکدیگر در مورد اطلاعات وثایق مشتریان؛
- ۳- تهدید بدهکاران بانکی به اعلام ورشکستگی در صورت به اجرا گذاشتن وثیقه، و در نتیجه تن دادن بانک به مذاکره و پذیرش شرایط پرداخت بدهکار؛
- ۴- برخی قوانین مانند قانون الزام بانک‌ها در ممنوعیت اخذ وثیقه ملکی مصوب سال ۱۳۷۹ مجلس شورای اسلامی، یا قانون تسهیل اعطای تسهیلات بانکی مصوب سال ۱۳۸۶ مجلس شورای اسلامی؛
- ۵- پرداخت تسهیلات دستوری تحت فشار مسئولان بدون توجه به نوع وثیقه یا تضمین؛
- ۶- نبود شرکت‌های اعتبارسنج یا مقام‌های دارای صلاحیت برای ارزیابی اطلاعات ارائه شده توسط گیرندگان تسهیلات؛
- ۷- دریافت سفته خارج از عقد برای برخی تسهیلات بدون امکان اجرا در مراجع قضایی یا ثبت؛
- ۸- نبود استانداردهای بررسی وثیقه‌ها در کنار وجود انگیزه‌های رانت‌جویی برای ارزیابی نادرست آن‌ها؛
- ۹- بی‌توجهی به انواع استعلامات از مراجع مرتبط، مانند شهرداری، اداره مالیات و در نتیجه تبدیل اسناد به اسناد ذمه‌ای و لاوصول شدن برخی از مطالبات؛

- ۱۰- ثبت نکردن رسمی املاک و اسناد در برخی نقاط کشور، مانند وجود زمین و مستغلات با اسناد شورایی (به خصوص در شمال کشور)؛
- ۱۱- عدم اعتبارسنجی ضامن‌ها و استفاده از آنان بدون اعتبار و پشتوانه مالی؛
- ۱۲- اخذ وثیقه‌های تلفیقی رهنی و ذمه‌ای و عدم امکان اقدام روی اسناد ذمه‌ای به دلیل عدم شناسایی مال؛ و
- ۱۳- زمانبر بودن ثبت دادخواست در دادگاه (حدود یک ماه) و صدور حکم (حدود ۶ ماه)، عزیزنژاد و همکاران (۱۳۹۳، ص ۳۰-۲۸).
- در یک دسته‌بندی کلی، دلایل بروز و تشدید مشکل تأخیر در بازپرداخت‌ها در نظام بانکی کشور را می‌توان در قالب سه مشکل زیر دسته‌بندی کرد:
- ۱- مشکلات مدیریتی و اجرایی: ضعف مدیریت بانک در اعتبارسنجی، عدم اعطای به موقع تسهیلات، عدم نظارت بر به‌کارگیری تسهیلات، تعلل در پیگیری پرونده‌ها و زمانبر بودن صدور حکم توسط مقام‌های قضایی از جمله عوامل مدیریتی و اجرایی اثرگذار بر افزایش معوقات بانکی است.
- ۲- ناتوانی گیرنده تسهیلات: یکی دیگر از مهم‌ترین عوامل بروز معوقات بانکی، ناتوانی گیرنده تسهیلات در بازپرداخت آن است. ناتوانی در بازپرداخت تسهیلات می‌تواند از عواملی چون نوسان‌های اقتصادی (مانند نوسان‌های نرخ ارز، نرخ تورم)، بیماری، سانحه رخ دهد.
- ۳- فرصت طلبی گیرنده تسهیلات: این مشکل به‌طور عمده زمانی بروز می‌کند که سود حاصل از به‌کارگیری تسهیلات بیش‌تر از هزینه‌های تحمیل شده در قالب جریمه تأخیر و مانند آن باشد.
- برای بررسی میزان تأثیرگذاری هر یک از عوامل ذکر شده بر افزایش مطالبات بانکی، مطالعات تجربی اندکی انجام شده است. نتایج مطالعات هاشمی نودهی (۱۳۷۷)، تقی‌نجاج و نجف‌پورکردی (۱۳۹۲) و عزیزنژاد و همکاران (۱۳۹۳)، نشان می‌دهد که مشکلات مدیریتی و اجرایی در فرآیند اعطای تسهیلات و وصول آن نقش بسزایی در شکل‌گیری و تشدید مطالبات نظام بانکی داشته است. نتایج مطالعات حبیبی (۱۳۸۱)، حیدری و همکاران (۱۳۸۹)، رستمیان و طبسی (۱۳۸۹) و کردبچه و نوش‌آبادی (۱۳۹۰) نیز نشان می‌دهد

که تغییرات متغیرهای کلان اقتصادی همانند تغییر در نرخ سود تسهیلات، نقدینگی (به دلیل کسری بودجه) و تورم باعث افزایش مطالبات معوق بانک‌ها شده است (حیدری و همکاران ۱۳۸۹، ص ۲۱۱). تغییرات مزبور می‌تواند موجب ناتوانی گیرنده تسهیلات بر بازپرداخت و یا ایجاد انگیزه برای تأخیر شود. یافته‌های مطالعه شعبانی و جلالی (۱۳۹۰) نشان می‌دهد که نقش عوامل درون سازمانی (مشکلات اجرایی و مدیریتی) بیش از مشکلات برون سازمانی (مشکلات مرتبط با گیرندگان تسهیلات) است.

#### ۴-۱- سازوکارهای متعارف مدیریت بازگشت منابع در بانک‌های اسلامی

برای مدیریت بازگشت منابع در بانک‌های اسلامی به‌طور عمده از چهار راهکار اعتبارسنجی مشتریان، ضمانت بانکی، وثیقه و جریمه تأخیر تأدیه استفاده می‌شود.

##### ۱-۴-۱- اعتبارسنجی مشتریان

یکی از سازوکارهای پیش‌گیرانه در مدیریت بازگشت منابع، اعتبارسنجی متقاضیان تسهیلات است. در این روش بانک یا مؤسسه‌های اعتبارسنجی، پیش از پرداخت تسهیلات به بررسی وضعیت مالی متقاضی، ضامن و وثیقه‌ها می‌پردازد. بررسی ریسک اعتباری مشتریان در کنار ریسک بازار، ریسک نقدینگی و ریسک تجاری از جمله ویژگی‌های این روش است (جلیلی و همکاران ۱۳۸۹، ص ۱۲۷).

بدون شک اعتبارسنجی مشتریان پیش از اعطای تسهیلات امری عقلایی و شرعی است. در شرع مقدس اسلام، رعایت احتیاط در امور مالی مورد تأکید قرار گرفته است. دستور به نگارش بدهی، گرفتن شاهد و وثیقه هنگام پرداخت قرض، را می‌توان در این جهت ارزیابی کرد. (بقره: ۲۸۳-۲۸۲).

تنها نکته موجود در این زمینه آن است که اعتبارسنجی در صورت عدم اجرای مناسب می‌تواند اثری محدودکننده بر تأمین مالی و در نتیجه تضعیف عدالت توزیعی (مقاصد شریعت) داشته باشد. زیرا در فرآیند اعتبارسنجی به‌صورت معمول افراد با توانایی مالی ضعیف و یا افراد تازه کار از دریافت تسهیلات بانکی محروم می‌مانند.

اعتبارسنجی متقاضیان دریافت تسهیلات نقش بسزایی در پیشگیری از معوقات بانکی دارد. اگر بانک‌ها و مؤسسات مالی، پیش از اعطای تسهیلات، اعتبارسنجی مناسبی انجام دهند، قطعاً از هزینه‌های ناشی از مطالبات معوق کاسته می‌شود (جلیلی و همکاران، ۱۳۸۹). یافته‌های برخی مطالعات تجربی نشان می‌دهد که ضعف اعتبارسنجی از مهم‌ترین عوامل بروز معوقات در نظام بانکی کشور است (تقی‌نجاج و نجف‌پورکردی، ۱۳۹۲). از این‌رو، استفاده از این روش می‌تواند به پیشگیری از وقوع مطالبات غیرجاری بانکی کمک کند. بی‌گمان، کارآمدی این روش منوط به وجود بستر مناسب، از جمله بهره‌گیری از فناوری اطلاعات است (جلیلی ۱۳۸۹، ص ۲۲۱). وجود بانک جامع اطلاعات متقاضیان تسهیلات بانکی و ارتباط بین پایگاه‌های اطلاعات اقتصادی کشور نیز از جمله ضرورت‌های افزایش اثر بخشی اعتبارسنجی است. ارائه شاخص‌هایی دقیق برای ارزیابی وضع متقاضیان تسهیلات از جمله دیگر ضرورت‌های یک نظام اعتبارسنجی کارآمد است.

هم‌اینک سامانه ملی اعتبارسنجی بانکی در سطح بانک‌های کشور عملیاتی شده و زمینه بهره‌گیری تمامی بانک‌ها از گزاره‌ای اعتباری و اعتبارسنجی جهت ارزیابی اهلیت اعتباری متقاضیان تسهیلات را فراهم کرده است. این سامانه افزون بر اطلاعات بانک‌های کشور، شامل اطلاعات مربوط به چک‌های برگشتی توسط بانک مرکزی، اطلاعات بدهکاران مالیاتی بیش از یک میلیارد ریال توسط سازمان امور مالیاتی و اطلاعات بدهکاران ماده ۱۴ گمرک نیز است (جلیلی و احمدی ۱۳۹۳، ص ۳۱۸-۳۱۹).

#### ۲-۴-۱- ضمانت

یکی از سازوکارهای بانک‌های اسلامی برای اطمینان از بازگشت تسهیلات درخواست ارائه ضامن معتبر است. به‌طور معمول به تناسب افزایش میزان تسهیلات، تعداد ضامن مورد درخواست نیز افزایش می‌یابد. بانک برای اطمینان بیش‌تر از بازپرداخت تسهیلات، علاوه بر دریافت تعهدنامه ضمانت، اسناد تضمینی دیگری چون چک و سفته نیز از ضامن دریافت می‌کند.

ضمانت براساس عقد ضمان صورت می‌گیرد. عقد ضمان قراردادی است که به موجب آن، شخص مالی را که بر ذمه دیگری است برعهده می‌گیرد. متعهد را ضامن، طلبکار را مضمون‌له، بدهکار را مضمون‌عنه می‌گویند» (قانون مدنی ماده ۶۴۸؛ امام خمینی، ج ۲، ص ۲۵) از نظر فقهی دو احتمال در مورد مفهوم ضمانت تسهیلات وجود دارد:

**اول- نقل دین از ذمه به ذمه:** در این حالت بدهی گیرنده تسهیلات از ذمه گیرنده به ذمه ضامن منتقل می‌شود. براساس این فرض اگر گیرنده تسهیلات در بازپرداخت بدهی سستی کند، بانک تنها می‌تواند به ضامن مراجعه کند.

**دوم- ذم ذمه به ذمه:** براساس این فرض، ذمه گیرنده تسهیلات و ضامن به بدهی مشغول می‌شود. در این حالت بانک می‌تواند در صورت نپرداختن بدهی، هم به گیرنده تسهیلات و هم به ضامن مراجعه کند.

براساس مبانی فقهی شیعه، ضمانت به مفهوم نقل دین از ذمه به ذمه است. بر این اساس با تحقق قرارداد ضمان، بدهی از ذمه مضمون‌عنه (بدهکار اصلی) به ذمه ضامن منتقل می‌شود و مضمون‌عنه بری‌الذمه می‌گردد، بلکه اگر ضمانت با اذن مضمون‌عنه باشد، ضامن بعد از پرداخت بدهی به مضمون‌له، حق رجوع به مضمون‌عنه خواهد داشت (همان، ج ۲، ص ۲۶ و ۲۷ و قانون مدنی، ماده ۶۴۸).

یکی از مشکلات موجود در زمینه ضمانت‌نامه‌های بانکی این است که تفاوتی معنادار میان اهداف، ماهیت و شرایط ضمانت بانکی و ضمانت فقهی و حقوقی وجود دارد. در ضمانت‌های بانکی هدف انتقال بدهی نیست؛ بلکه هدف فراهم کردن فضای امنیت و اطمینان است به همین جهت می‌بایست پیش‌پیش قبل از به‌وجود آمدن بدهی و ثبوت آن، محقق شود. این بدان معناست که ضمانت ناظر به فرض تخلف مدیون اصلی است و پیش از احراز تخلف، حق مراجعه به ضامن وجود ندارد.

استفاده از سازوکار ضمانت در بانکداری اسلامی از این نظر مناسب است که با ایجاد تعهد برای ضامن، از سازوکار فشار اجتماعی برای ترغیب گیرنده تسهیلات به انجام تعهداتش استفاده می‌کند. با وجود این، درخواست ضامن مشکلاتی را برای قشرهای ضعیف جامعه فراهم می‌کند؛ زیرا تهیه ضامن برای تسهیلات با شرایط خاصی که توسط بانک‌ها

اعلام می‌شود، از جمله اینکه درخواست می‌شود که ضامن، کاسب و دارای پروانه کسب و دسته چک باشد، برای بسیاری از افراد ضعیف و متوسط به سادگی امکان‌پذیر نیست. گذشته از آنکه این امر فرایند اجرایی اعطای تسهیلات و هزینه‌های بانک‌ها را نیز افزایش می‌دهد.

### ۳-۴-۱- وثیقه

دریافت وثیقه یکی دیگر از روش‌هایی است که بانک‌های اسلامی برای اطمینان از بازگشت تسهیلات مورد استفاده قرار می‌دهند. وثیقه‌های دارای انواع مختلفی‌اند و شامل مواردی چون اسناد مستغلات و املاک، اسناد مالی (اوراق مشارکت، اوراق سهام)، چک و سفته می‌شود.

در آیات ۲۸۲ و ۲۸۳ سوره بقره، خداوند متعال گرفتن وثیقه برای بدهی را در صورت عدم امکان کتابت دین توصیه می‌کند (بقره: ۲۸۲-۲۸۳). در این آیات از وثیقه با عنوان «رهان» یاد شده است که در لغت به معنای ثبات و دوام است و در اصطلاح شرعی به معنای چیزی است که به عنوان گروبی یا وثیقه بدهی قرار می‌گیرد. گرفتن وثیقه بر بدهی براساس اجماع، سنت و کتاب جایز است (قطب‌الدین راوندی، ۱۴۰۵، ج ۲، ص ۵۸). جواز گرفتن وثیقه را می‌توان به سیره نقل شده از معصومین (ع) نیز مستند کرد. نقل شده که پیامبر اعظم (ص) برای گرفتن قرض، اقدام به گذاشتن وثیقه نمودند (همان و نوری، ۱۴۰۸، ج ۱۳، ص ۴۱۸).

گرچه وثیقه‌های بانکی می‌تواند موجب اطمینان بیشتر در بازپرداخت تسهیلات شود، لیکن محدودیت‌هایی برای متقاضیان، به خصوص افراد با توانایی مالی پایین ایجاد می‌کند. برای رفع این مشکل مجلس شورای اسلامی در تاریخ ۲۷ خرداد ۱۳۸۰ طرحی را تصویب کرد که پس از تأیید شورای نگهبان با نام "قانون عدم الزام سپردن وثیقه ملکی به بانک‌ها و دستگاه‌ها، سایر مؤسسات و شرکت‌های دولتی به منظور تسهیل امر سرمایه‌گذاری و ایجاد اشتغال بیشتر در طرح‌های تولیدی و صادراتی" قدرت اجرایی یافت. این قانون در اواسط تیر ماه ۱۳۸۰ توسط وزارت اقتصاد و دارایی به بانک‌های کشور



ابلاغ شد. در بند دوم این قانون عنوان شده است که بانک می‌باید از اخذ وثیقه ملکی خارج از طرح خودداری کند. وثیقه‌های نام برده شده در این قانون طیف گوناگونی از انواع دارایی فیزیکی (مادی) و دارایی‌های مالی را با درجه‌های متفاوت (از جمله طلا، ارز، ضمانت‌نامه‌های بانکی، گواهی سپرده، اوراق مشارکت و چک یا سفته با ظهرنویسی ضامن معتبر) را شامل می‌شود (رک: بزرگمنش، ۱۳۸۰، ص ۱۷-۱۳).

باید توجه داشت که بدون در نظر گرفتن سازوکار رقیب برای مدیریت بازگشت منابع، نمی‌توان به صورت دستورالعملی بانک‌ها را از گرفتن وثیقه و یا ضامن بازداشت. به همین خاطر به رغم وضع قانون فوق، نقش وثیقه‌های بانکی از جمله چک تضمینی در نظام بانکی جمهوری اسلامی پر رنگ است.

#### ۴-۴-۱- جریمه تأخیر

از جهت نظری، جریمه تأخیر هم به عنوان سازوکاری تشویقی - تنبیهی و هم سازوکاری جبرانی معرفی شده است. کارکرد اول جریمه تأخیر آن است که با افزایش هزینه‌های تأخیر، گیرندگان تسهیلات را به بازپرداخت آن در موعد مقرر تشویق کند. کارکرد دیگر جریمه تأخیر جبران خسارت‌های وارد شده به بانک و سپرده‌گذاران در نتیجه عدم بازگشت به موقع مطالبات است.

با توجه به کارکردهای دوگانه فوق، جریمه تأخیر در بانک‌های اسلامی به صورت‌های مختلف طراحی شده است. در برخی موارد، همچون نظام بانکی جمهوری اسلامی ایران، جریمه تأخیر هم کارکرد تشویقی و هم کارکرد جبرانی دارد. برخی از بانک‌های اسلامی، برای خلاص شدن از شبهه ربوی جریمه تأخیر و همچنین افزایش انگیزه بانک برای پیگیری مطالبات، جریمه را تنها به عنوان روشی تشویقی و نه جبرانی مطرح کرده‌اند. در این روش، عواید حاصل از جریمه تأخیر، به عنوان درآمد بانک محسوب نمی‌شود؛ بلکه در امور خیر، از جمله بازپرداخت بدهی بدهکاران معسر استفاده می‌شود.

از نظر اجرایی، استفاده از سازوکار جریمه تأخیر تأدیه به دو روش زیر پیشنهاد شده است:

**اول - جریمه به‌عنوان وجه التزام:** در این روش که در نظام بانکی جمهوری اسلامی ایران به کار رفته است، در ضمن قراردادهای تسهیلات شرط شده که گیرنده تسهیلات در صورت نپرداختن به‌موقع آن، مبلغی (به‌صورت درصدی از مبلغ تسهیلات) را به‌عنوان جریمه بپردازد. جریمه پرداختی به بانک تعلق می‌گیرد و از این نظر هم جنبه پیشگیری و هم جبرانی دارد.

**دوم - جریمه به‌عنوان تعزیر مالی متخلف:** استفاده از جریمه به‌عنوان تعزیر مالی، رویکرد دیگری برای استفاده از جریمه تأخیر تأدیه در بانک‌های اسلامی است (Yaalub et al., 2013). در این روش، بدهکار به واسطه رعایت نکردن تعهدات خود، با تعزیر مالی روبه‌رو می‌شود. تعزیر مالی معمولاً توسط دادگاه تعیین می‌شود.

در برخی از بانک‌های اسلامی، جریمه به‌عنوان پرداخت مبلغی برای کمک به فعالیت‌های خیریه توسط بانک و یا یک مؤسسه خیریه صورت می‌گیرد. در حالت دوم، بانک مؤسسه خیریه‌ای را به تأخیرکنندگان در بازپرداخت مطالبات معرفی می‌کند و وی می‌باید مبالغ جریمه را به این مؤسسات بپردازد (Sulayman, 2011).

در مورد جواز یا عدم جواز شرط جریمه تأخیر در قراردادهای بانکی، نظرات متفاوتی از سوی فقها و محققان بانکداری اسلامی مطرح شده است که در ادامه به این نظرات اشاره می‌کنیم (موسوی بجنوردی، ۱۳۷۶، ص ۲۹-۳۵).

**الف - جواز به‌صورت مطلق:** برخی فقها به‌صورت مطلق دریافت خسارت تأخیر تأدیه را مجاز می‌دانند (بجنوردی، ۱۳۷۶). برای این دیدگاه دو دلیل مطرح شده است: اول، بدهکار با تأخیر در پرداخت بدهی‌اش، به طلبکار ضرر وارد می‌کند و به استناد قواعد فقهی اتلاف و لا ضرر می‌باید این ضرر را جبران نمود. چنین خسارتی در مقابل به تأخیر انداختن بازپرداخت بدهی نیست، تا ربای در قرض بر آن صدق کند. بلکه این مبلغ در برابر جبران خسارت وارده اخذ می‌شود. (بجنوردی ۱۳۷۶، ص ۲۹-۳۵). دوم، در حالت تأخیر در پرداخت بدهی، ارزش واقعی آن به‌خاطر تورم کاهش می‌یابد. در این حالت، جریمه تأخیر جبران‌کننده کاهش قدرت خرید مبلغ بدهی است.

برخی از محققان اهل سنت در استدلال بر جواز دریافت خسارت به روایات نبوی چون «مطل الغنی ظلم»، «لا ضرر و لا ضرار» و «لی الواجد یحل عرضه و عقوبته» استناد می‌کنند (قره‌داغی، ۱۴۲۸ ق، ج ۸، ص ۷۷). از حدیث اول ظلم بودن تأخیر بدهکار غیرمعسر، از حدیث دوم ممنوعیت ضرررسانی به دیگران و از حدیث سوم جواز عقوبت مالی بدهکار توانمند بر بازپرداخت استفاده می‌شود (همان، ص ۱۰۲-۱۰۴). صرف‌نظر از مسائل سندی روایات، پذیرش استدلال مطرح شده در این روایات، می‌توان دریافت ربا را نیز توجیه کند (تلقی ربا به‌عنوان جبران) و حال آنکه براساس صریح آیات قرآن ربا حرام است.

**ب- عدم جواز به صورت مطلق:** بسیاری از فقهای امامیه به‌طور مطلق دریافت خسارت تأخیر تأدیه توسط مدیون را مصداق ربا و حرام می‌دانند. این نظریه توسط گروهی از فقهای معاصر از جمله حضرت امام خمینی (ره) و آیات عظام مکارم شیرازی، نوری همدانی و سیستانی پذیرفته شده است (رک: امام خمینی، ۱۳۶۶، ج ۱، ص ۵۳۵؛ وحدتی شربتی، ۱۳۸۲).

این نظریه مستند به روایاتی است که شرط هرگونه نفع در قرارداد قرض را حرام اعلام می‌کند (حر عاملی، ۱۴۰۳ ق، ج ۱۸، ص ۳۵۶). اطلاق این روایات پرداخت هرگونه خسارت تأخیر تأدیه از سوی مدیون مازاد بر اصل بدهی تحت هر عنوانی مانند، کاهش ارزش پول، کاهش قدرت خرید، یا خسارت دیرکرد در سررسید مقرر و امثال آن را ممنوع قلمداد می‌کند (رک: وحدتی شبیری، ۱۳۸۲).

براساس این نظریه، تأخیر در پرداخت، باعث وارد شدن ضرر به مدیون نمی‌شود، بلکه وی نفع نبرده و عدم نفع به‌معنای ضرر «عدم نفع لیس بضرر» نیست. به بیان دیگر، اگر مدیون در موعد مقرر، بدهی خود را نپردازد، ضرری به متعهد له وارد نشده است و بر آن «تلف مال» صدق نمی‌کند تا قوانین عمومی اطلاق و تسبیب مصداق داشته باشد (همان).

شورای نگهبان در پاسخ به نامه شورای عالی قضایی در مورد خسارت تأخیر تأدیه (۱۲/۴/۶۴) اعلام نمود: «مطالبه مازاد بر بدهی بدهکاران به‌عنوان خسارت تأخیر تأدیه، چنانچه حضرت امام صریحاً به این عبارت: آنچه به حساب دیرکرد تأدیه بدهی گرفته می‌شود

ربا و حرام است اعلام نمودند، جایز نیست و احکام صادره بر این مبنی شرعی نمی‌باشند» (شورای عالی بانک‌ها؟؟؟).

**ج - جواز مشروط:** در مقابل نظر اول و دوم، برخی اخذ خسارت تأخیر تأدیه را به صورت مشروط اجازه داده‌اند. در این زمینه می‌توان بین سه دیدگاه جواز اخذ جریمه به عنوان وجه التزام، جواز جریمه به عنوان غرامت و جواز دریافت جریمه از غیر معسر تفکیک نمود:

**جواز به عنوان وجه التزام:** بر اساس این نظریه، گرفتن خسارت تأخیر تأدیه هنگامی مجاز است که پرداخت آن به عنوان شرط ضمن عقد در قرارداد فی مابین متعهد و متعهدله درج گردد. در این حالت، مبلغ دریافتی، خسارت تأخیر تأدیه و ربا نیست؛ بلکه جریمه‌ای است که متخلف به علت تخلف از شرط ضمن عقد باید پرداخت نماید و مطابق قاعده «المؤمنون عند شروطهم» لازم‌الوفا خواهد بود. وجه التزام نوعی شرط کیفری مالی یا شرط جزاست، به صورتی که متعهد در صورت عدم رعایت شرط (تأخیر در بازپرداخت)، ملزم به پرداخت جزا و جریمه است. تحقق شرط کیفری منوط به وقوع ضرر نیست؛ بلکه به محض خودداری متعهد از انجام تعهد، پرداخت جزا و جریمه به عهده او ثابت می‌شود (تسخیری، ۱۳۸۲، ص ۶۶).

این نظر به فقهای شورای نگهبان جمهوری اسلامی ایران نسبت داده شده است. بررسی پاسخ شورای نگهبان (در تاریخ ۶/۲/۱۳۶۱) به سؤال بانک مرکزی درباره گنجاندن ماده‌ای در قراردادها برای اخذ خسارت تأخیر تأدیه بدهی، مؤید این استناد است. در این پاسخ آمده که به جای عنوان «جریمه خسارت تأخیر تأدیه» این عبارت قید شود که مبلغی بر حسب قرارداد به ذمه امضاکننده این قرارداد تعلق خواهد گرفت.

البته شورای نگهبان، آن گونه که گفته شد (در تاریخ ۱۲/۴/۱۳۶۴) در پاسخ به سؤال شورای عالی قضایی در مورد خسارت تأخیر تأدیه، آن را ربا و حرام اعلام نمود بدون اینکه به تفکیک بین وجه التزام و جریمه دیرکرد اشاره نماید. پس از پاسخ منفی شورای نگهبان، مسئله مزبور به مجمع تشخیص مصلحت نظام ارجاع داده شد که مجمع در تاریخ ۸/۶/۱۳۶۳ گرفتن خسارت تأخیر تأدیه را مجاز اعلام کرد.

در میان فقهای معاصر در مورد جواز یا عدم جواز دریافت جریمه به‌عنوان وجه التزام اختلاف است. این امر از نظر آیات عظام گلپایگانی، موسوی اردبیلی، نوری همدانی، مکارم شیرازی، صافی گلپایگانی، فاضل لنکرانی و سیدکاظم حائری مجاز و از نظر آیات عظام تبریزی، وحید خراسانی و سیستانی غیرمجاز است. آیات عظام بهجت و خامنه‌ای معتقداند که باید مصالحه صورت گیرد (یوسفی، ۱۳۸۱، ص ۲۲۱ و موسویان ۱۳۹۲). از جمله تریده‌های مطرح شده در مورد مشروعیت جریمه تأخیر به مثابه وجه التزام، صدق عنوان ربای قرضی، ربای جاهلی و حيله رباست:

**الف - شبهه صدق ربای قرضی:** ربای قرضی هنگامی صدق می‌کند که در قرارداد قرض، گرفتن زیاده شرط شود. مشخص است که شرط وجه التزام مورد تسهیلات مشارکتی و مبادله‌ای، به واسطه اینکه شرط در ضمن قرارداد قرض نیست، مصداق ربای قرضی نیست. ولی هنگامی که وجه التزام در ضمن قرارداد قرض شرط می‌شود، شبهه ربا وجود دارد. با این وجود ادعا شده، این شرط تنها شرطی برای ملزم کردن قرض گیرنده به انجام تعهدش در پرداخت بدهی در سررسید مقرر است نه شرطی برای دریافت مازاد (وحدتی شبیری، ۱۳۸۲، ص ۱۰۲).

**ب - شبهه صدق ربای جاهلی:** ربای جاهلی یکی از مصادیق رایج ربا در جزیره‌العرب بود که در آن طلبکار در مقابل تمدید مدت بازپرداخت بدهی، درخواست پرداخت مبلغ مازاد می‌نمود (جامعه مدرسین حوزه علمیه قم، ۱۳۸۱، ص ۹۱). قرآن کریم در آیه ۲۷۹ سوره بقره، این نوع ربا را تحریم می‌نماید. این نوع ربا (تمدید مدت بازپرداخت بدهی در مقابل افزایش مقدار بدهی) اختصاصی به قرض ندارد و شامل تمامی دیون مدت‌دار می‌شود. بین جریمه تأخیر و ربای جاهلی از این جهت تفاوت است که اولی به‌عنوان شرطی برای الزام بدهکار به پرداخت به‌موقع (جریمه نقض عهد، جریمه تخلف از تعهد) و دومی نوعی روش استمهال بدهی (بهای تمدید زمان بازپرداخت) است (آهنگران و ملاکریمی، ۱۳۸۹، ص ۲۱؛ تسخیری، ۱۳۸۳، ص ۷۰). با وجود این، در هر دو دریافت زیاده در قرض صدق می‌کند که به مقتضای آیه قرآن مجید مجاز نیست.

ج- **شبهه صدق حيله ربا:** گنجاندن وجه التزام در قراردادهای بانکی ممکن است به‌عنوان راهکاری برای فرار از ربا تلقی شود. هر چند بانک مبلغ اضافی را به‌عنوان جریمه تأخیر در بازپرداخت بدهی دریافت می‌کند و در ظاهر مشمول عنوان ربا نیست، ولی در واقع ربا و حرام خواهد بود (مصباحی‌مقدم و جلالی، ۱۳۸۷، ص ۲۱).

ادعا شده که جریمه شرط شده پوششی برای ربا نیست، زیرا بانک قصدی برای دریافت مازاد ندارد. بانک تنها به‌دنبال آن است که گیرندگان تسهیلات به اقتضای تعهداتشان در بازپرداخت به‌موقع بدهی، عمل کنند. بانک‌ها در عمل معمولاً زمان کافی را در اختیار گیرندگان تسهیلات قرار می‌دهند؛ بیش از ۹۰ درصد تسهیلات اعطایی بانک‌ها در قالب قراردادهای غیرقرض همچون فروش اقساطی صورت می‌گیرد که در آنها بانک می‌توانست بدون نیاز به گرفتن جریمه در مقابل تأخیر، به تناسب مدت بازپرداخت قیمت نسبی بالاتری تعیین کند و در بیش‌تر قراردادهای بانکی، نرخ جریمه تأخیر به اندازه‌ای تعیین می‌شود که گیرنده تسهیلات آن را راهکار مناسبی برای تمدید و استمرار قرارداد نمی‌بیند. در این حالت فرد متخلف که در عین توانایی، نقض تعهد کرده و پیمان مالی خود را زیر پا گذاشته می‌باید به اقتضای قاعده «المؤمنون عند شروطهم» جریمه را پرداخت نماید (موسویان ۱۳۸۶، ص ۲۸-۲۹).

#### ۵-۱- جواز به‌عنوان تعذیر حکومتی

برخی از محققان بانکداری اسلامی دریافت جریمه به‌عنوان تعذیر مالی (جریمه عدم رعایت قوانین بانکی) را پیشنهاد کرده‌اند (آهنگران و ملاکریمی، ۱۳۸۹، قلیچ ۱۳۸۹). این نظریه بر «جرم بودن تأخیر در پرداخت» مبتنی است. بر این اساس، عدم پرداخت مالی در وقت مقرر (مماطله) به واسطه عدم وفا به‌عهد و نقض پیمان حرام است. دولت می‌تواند نقض‌کننده تعهد را تعذیر حکومتی (از جمله تعذیر مالی) نماید (بجنوردی، ص ۳۴). از جهت اصطلاحی، غرامه (دریافت جریمه) از تعویض (جبران ضرر) متفاوت است. غرامه (جریمه) معمولاً توسط دولت‌ها برای تخلف از قوانین و مقررات وضع می‌شود. ولی تعویض در واقع همان عوض و بدل ضرر مالی است که فرد در اثر وارد کردن خسارت به

دیگری مانند ضرر رساندن به طلبکار به واسطه کوتاهی و تأخیر در پرداخت دیون در سررسید مشخص می‌پردازد (قره‌داغی، ۱۴۳۱ ق، ج ۸، ص ۹۲). در طرح پیشنهادی جریمه به‌عنوان تعذیر حکومتی، جریمه دریافتی به‌عنوان درآمد بانک محسوب نمی‌شود، بلکه منابع حاصل از آن به بیت‌المال رو یا به صندوق خیریه حمایت از بدهکاران معسر اختصاص می‌یابد. گذشته از آنکه تعیین میزان جریمه می‌تواند توسط دادگاه و براساس حکم قاضی انجام شود.

در مورد مشروعیت این روش تردیدهایی وجود دارد. زیرا تعزیر مخصوص حاکم شرع و محاکم بوده و نمی‌تواند به‌طور کامل به دیگری واگذار شود. علاوه بر این، همان‌طور که برخی از مراجع تقلید تأکید کرده‌اند، تعزیر حکم عمومی نیست که بتواند در مورد همه یکسان اجرا شود؛ بلکه مورد به مورد و از فردی به فرد دیگر تفاوت می‌کند (موسویان، ۱۳۹۲، ص ۴۴).

روند رو به رشد مطالبات غیرجاری بانک‌ها به‌رغم استفاده از جریمه تأخیر، باعث تردید در کارآمدی این روش می‌شود. به‌نظر می‌رسد که جریمه تأخیر در مورد بدهکاران کلان بانکی اثرگذاری چندانی نداشته است. زیرا این بدهکاران با استفاده از قدرت چانه‌زنی خود، سرانجام با بخشودگی جریمه روبه‌رو می‌شوند. در مقابل، بدهکاران در وام‌های خرد در عمل به پرداخت جریمه محکوم می‌شوند.

استفاده از سازوکار جریمه تأخیر می‌تواند این خطر را ایجاد کند که بانک‌ها از آن نه به‌عنوان وسیله‌ای برای بازگشت به‌موقع تسهیلات، بلکه وسیله‌ای برای درآمدزایی استفاده کنند. برخی از بانک‌های اسلامی برای مقابله با این خطر وجوه حاصل از جریمه تأخیر را به‌عنوان درآمد بانک محسوب نمی‌کنند. بر این اساس این وجوه می‌باید در زمینه‌هایی چون کمک به بازپرداخت بدهی طلبکاران معسر و یا سایر موارد خیر مورد استفاده قرار گیرد.

#### ۶-۱- استمهال و تجدید بدهی

بانک‌های اسلامی در مواردی که گیرنده تسهیلات توانایی بازپرداخت نداشته باشد، اقدام به دادن مهلت به بدهکار می‌کنند. یکی از شیوه‌هایی که در این زمینه استفاده

می‌شود، تجدید بدهی با استفاده از یک قرارداد جدید است. در این روش، اصل و سود تسهیلاتی که بازپرداخت نشده، به‌عنوان تسهیلات جدید در دفاتر حسابداری بانک ثبت می‌شود و قسط‌بندی جدید صورت می‌گیرد.

استمهال بدهی در صورتی که مازاردی از بدهکاران بانکی گرفته نشود، نه تنها از نظر شرعی بدون اشکال است بلکه مقتضای حکم شرعی ناظر به لزوم مهلت دادن به بدهکار معسر است<sup>۱</sup>. تنها تردید موجود در مورد استمهال بدهی به روش تجدید بدهی است. در این حالت اصل و سود تسهیلات قبلی به تسهیلات جدید تبدیل می‌شود و با احتساب نرخ سود جدید به‌عنوان تسهیلات جدید برای مشتری محسوب می‌شود. این روش با شبهه ربا و یا حيله ربا روبه‌روست. گذشته از آن اجرای این روش در مورد بدهکاران معسر با اصل عدالت و لزوم مهلت دادن به وی هماهنگ نیست. البته پیشنهادهایی برای استفاده از برخی عقود شرعی برای استمهال بدهی‌های بانکی مطرح شده است.

این روش تا حدودی می‌تواند کارآمد باشد؛ ولی کارآمدی آن وابسته به این است که آیا گیرنده تسهیلات در مهلت جدید قادر به بازپرداخت تسهیلات می‌باشد یا خیر. گذشته از اینکه روش رایج مورد استفاده مبنی بر تبدیل اصل و سود تسهیلات قبلی به تسهیلات جدید همراه با سود بیش‌تر باعث افزایش هزینه‌های گیرندگان تسهیلات می‌شود و تأثیری منفی بر هزینه‌های فعالیت‌های اقتصادی دارد.

#### ۷-۱- مراجعه به محاکم قضایی

رجوع به محاکم قضایی به‌طور عمده در موارد ادعای اعسار و ناتوانی از پرداخت بدهی صورت می‌گیرد. در این موارد تسویه بدهی براساس قوانین اعسار و ورشکستگی صورت می‌گیرد.

روش مراجعه به محاکم از نظر کارآمدی با مشکلاتی روبه‌روست. معمولاً زمان دادرسی قضایی برای وصول مطالبات بانکی طولانی است و برخی محدودیت‌های قانونی در این مسیر وجود دارد.

<sup>۱</sup> فنظرة الی میسرہ



#### ۸-۱- ظرفیت بیمه تسهیلات در مدیریت بازگشت منابع در بانکداری اسلامی

بیمه تسهیلات از جایگاه ویژه‌ای برخوردار است. بیمه تسهیلات از یک‌سو باعث از بین بردن زمینه بسیاری از معوقات بانکی می‌شود و از سوی دیگر، مانع از وارد آمدن فشار به بدهکاران معسر در اثر افزایش سقف بدهی در اثر شمول جریمه‌های تأخیر می‌شود.

یکی از مشکلات روش بیمه تسهیلات دوجانبه مورد استفاده در بانک اسلامی اردن و برخی بانک‌های اسلامی این است که این شیوه تنها در مورد وام‌های خرد با سقف مشخص معرفی شده است و به‌کارگیری آن در مورد تسهیلات کلان با مشکل روبه‌رو می‌شود. برای حل این مشکل، دو نوع بیمه تسهیلات در سطح خرد و کلان پیشنهاد می‌شود.

#### ۹-۱- صندوق بیمه دو جانبه

بانک اسلامی اردن در جهت ارائه خدمات اجتماعی و براساس ماده ۸ قانون خود، در سال ۱۹۹۴ اقدام به تأسیس صندوق بیمه دو جانبه<sup>۱</sup> برای بدهکاران به بانک کرد این صندوق به‌منظور حمایت از بدهکاران ضعیف بانک تشکیل شد و وسیله‌ای برای جلوگیری از ضایع شدن اعتبارات پرداختی توسط بانک و همچنین راهی برای کمک به افرادی که از پرداخت بدهی خود به بانک ناتوان می‌شوند، بوده است. منابع مالی این صندوق از محل مبالغ پرداخت شده توسط مشترکان، مبلغی که شورای اداری بانک سالانه از سهم سود سهام‌داران به‌صورت تبرعی پرداخت می‌کند، عواید سرمایه‌گذاری اموال صندوق و بالاخره اموال دیگری که مدیر کل بانک با آن موافقت می‌کند، تأمین می‌شود (توکلی، ۱۳۹۲، ص ۴۷۹-۴۸۰؛ عبدالمجید المالکی، ۱۹۹۶). چگونگی فعالیت و برخی از مقررات این صندوق را می‌توان در بندهای زیر خلاصه کرد:

اول- عضویت در این صندوق برای اشخاصی که از سوی بانک تأمین مالی شده‌اند، الزامی است. این افراد باید تمامی بدهی خود به بانک را از این طریق بیمه کنند.

<sup>۱</sup> صندوق التأمین التبادلی لمَدینی البنک.

دوم- هنگامی که مشتری تمام بدهی‌اش را که بیمه کرده، بپردازد؛ ارتباطش با صندوق خاتمه می‌یابد و در صورت دریافت تسهیلات جدید از طرف بانک، موظف به عضویت مجدد در این صندوق است.

سوم- اقساط بیمه پرداختی توسط مشترکان به منزله پرداخت تبرعی (مجانی) محسوب می‌شود و مشترک یا ورثه او حق مطالبه استرداد آن را ندارد.

چهارم- اشتراک در صندوق مختص به اشخاص حقیقی است و مبلغ بدهی بیمه شده نباید از ۲۰ هزار دینار بیش‌تر باشد. البته مدیرکل بانک می‌تواند با بیمه شدن شرکت‌ها و مؤسسات و همچنین تجاوز از حداکثر مبلغ بدهی بیمه شده، موافقت کند.

پنجم- مبالغ پرداختی به‌عنوان بازپرداخت بدهی مشترکان محسوب می‌شوند و هیچ پرداخت نقدی به مشترکان صورت نمی‌گیرد.

ششم- خسارت پرداخت شده در این قالب نمی‌تواند از ۵۰ درصد کل بدهی بیمه شده فراتر رود و مبلغ آن نیز حداکثر پنج هزار دینار است.

هفتم- بنابر مقررات صندوق، موارد پرداخت خسارت توسط صندوق عبارت‌اند از: فوت مشترک، ناتوانی جسمانی دائم مشترک و بالاخره ناتوانی مشترک از بازپرداخت بدهی‌اش به دلیل قطع منابع درآمدی فرد به مدت حداقل یک سال و نبود شیء تحت تملک شخص که بتواند با فروش آن بدهی‌اش را بازپرداخت کند و امیدی نیز به ایجاد منبع درآمدی در سال آینده که بتواند بدهی‌اش را از آن محل پرداخت کند، وجود نداشته باشد. البته در موارد فوت مشترک، شرط استفاده از این تسهیلات آن است که ورثه باقیمانده بدهی متوفی را بازپرداخت کند و یا ترتیبات پرداخت آن را به شکل مورد قبول بانک، با ارائه ضمانت‌های کافی، فراهم نمایند.

هشتم- مدیرکل بانک می‌تواند تمام یا بخشی از مبالغ این صندوق را نزد مراکز تأمین اجتماعی که براساس روش مضاربه شرعی فعالیت می‌کنند، بیمه کند.

شایان ذکر است که صندوق در اوایل سال ۱۹۹۷ و پس از تأسیس شرکت بیمه اسلامی اردن، قراردادی با این شرکت منعقد کرد که براساس آن شرکت بیمه اسلامی اردن بخشی از خطرات و ریسک‌های پرداخت اقساط مشترکان در صندوق را برعهده می‌گیرد (همان).

**۱-۱۰- بیمه تسهیلات خرد**

بیمه تسهیلات خرد مطابق شیوه بیمه دوجانبه تسهیلات که شرح آن گذشت صورت می‌گیرد. بازپرداخت تسهیلات معوق خرد از محل حق بیمه‌های پرداختی گیرندگان تسهیلات و سود حاصل از به‌کارگیری آن پرداخت می‌شود. پرداخت این تسهیلات تابع ضوابطی است که در آیین‌نامه پیشنهادی صندوق بیمه تسهیلات خرد (پیوست شماره (۱)) آمده است.

**۱-۱۱- بیمه تسهیلات کلان**

بهترین راه‌حل برای بیمه تسهیلات کلان، استفاده از ظرفیت شرکت‌های بیمه موجود، شرکت‌های بیمه تخصصی تسهیلات و یا صندوق‌های ضمانت است. در این موارد، شرکت‌های بیمه با دریافت حق بیمه، تسهیلات دریافتی را به نفع بانک بیمه می‌کنند. در صورت تعلل مشتریان در بازپرداخت بدهی، بانک به شرکت بیمه مراجعه کرده و مطالبات را وصول می‌کند. شرکت‌های بیمه به‌منظور تقویت انگیزه بنگاه‌های اقتصادی به‌منظور بازپرداخت به‌موقع تسهیلات خود، علاوه بر استفاده از اطلاعات شرکت‌های اعتبارسنجی، نظامی تشویقی و تنبیهی برای استفاده از خدمات بیمه‌ای ارائه می‌دهند. در این نظام تشویقی و تنبیهی، مشتریان بد حساب بانکی در فهرست سیاه شرکت‌های بیمه قرار می‌گیرند و نمی‌توانند در موارد بعدی از بیمه تسهیلات بهره‌مند شوند. شرکت‌های خوش حساب نیز از تخفیف در حق بیمه بهره‌مند می‌شوند.

شایان ذکر است که بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران در مورخ ۲۴ اردیبهشت ۱۳۹۱، طی بخش‌نامه‌ای بانک‌ها را موظف به انعقاد قرارداد «بیمه اعتباری تسهیلات» با شرکت‌های بیمه کرد. براساس این بخش‌نامه، شرکت‌های بیمه در ازای دریافت مبلغی به‌عنوان حق بیمه از بانک‌ها، تسهیلات اعطایی آن‌ها را بیمه می‌کنند تا در صورت عدم بازپرداخت تسهیلات توسط مشتری بنا به دلایلی از قبیل ورشکستگی، اعسار، نکول بلاوجه و امثال آن، شرکت بیمه مبادرت به بازپرداخت تسهیلات مزبور به بانک نموده و سپس به قائم مقامی بانک به مشتری رجوع کند. در این سازوکار با توجه به اینکه بانک به‌عنوان

ذی‌نفع و بیمه‌گذار عمل می‌کند، با این حال رأساً نیز مکلف به پرداخت حق بیمه می‌باشد (بانک مرکزی، ۱۳۹۲).

بانک مرکزی در بخش‌نامه مورخ ۱۳۹۰/۹/۳ (به‌شماره ۲۰۶۶۸۷/۹۰) به‌صورت خاص دریافت حق بیمه از گیرندگان تسهیلات را ممنوع اعلام کرده است. براساس این بخش‌نامه، دریافت حق بیمه اعتباری تسهیلات از تسهیلات گیرنده و همچنین مشروط کردن اعطای تسهیلات به اینکه تسهیلات گیرنده «بیمه عمر» و نظایر آن شود و به تبع آن ملزم کردن وی به انعقاد قرارداد مجاز نیست.

مشخص است که در روش پیشنهادی بانک مرکزی، بانک‌ها مجبور به پرداخت هزینه‌های زیادی برای بیمه تسهیلات هستند و این امر از جهات مختلفی با مشکل روبه‌روست. اول، بانک به‌عنوان وکیل سپرده‌گذاران، تسهیلات را در اختیار متقاضیان قرار می‌دهد و ارائه تضمین در بازپرداخت به‌موقع تسهیلات به‌صورت منطقی برعهده گیرنده تسهیلات و نه بانک به‌عنوان وکیل صاحبان وجوه است. دوم، تحمیل هزینه‌های بیمه بر بانک‌ها می‌تواند باعث افزایش هزینه‌های نظام بانکی شود. سوم، در این روش، بیمه تنها حالت پوششی پیدا می‌کند و نمی‌تواند به گیرندگان تسهیلات برای بازگشت به‌موقع تسهیلات انگیزه لازم را بدهد.

با توجه به نکات مطرح شده در بالا، بهترین شیوه برای مدیریت بیمه تسهیلات کلان آن است که هزینه‌های بیمه از سوی متقاضی تسهیلات پرداخت شود. زیرا متقاضیان تسهیلات کلان معمولاً از توانمندی لازم برای بیمه تسهیلات برخوردارند. گذشته از آنکه براساس روش پیشنهادی تخفیف در حق بیمه برای مشتریان خوش‌حساب و سیستم اعتبارسنجی توسط مؤسسات بیمه اعتباری (به‌منظور تعیین حق بیمه براساس ریسک اعتباری مشتریان و پروژه‌ها)، گیرندگان تسهیلات از انگیزه بالاتری برای عمل به تعهدات خود برخوردارند (رک: پیوست شماره (۲)).

تنها اشکال قابل طرح نسبت به بیمه تسهیلات کلان توسط گیرندگان آن، افزایش هزینه‌های تسهیلات است. این مشکل در طول زمان با بهبود خوش‌حسابی گیرندگان تسهیلات کم می‌شود؛ زیرا آن‌ها با عمل به تعهدات خود، رتبه اعتباری خود را بهبود داده و در نتیجه با هزینه‌های بیمه تسهیلات کم‌تری روبه‌رو می‌شوند. البته شرکت‌های

بیمه تسهیلات می‌توانند به‌جای تعیین مبلغ ثابت حق بیمه و دریافت آن در ابتدای کار، حق بیمه را به‌صورت درصدی از سود پروژه تأمین مالی شده تعیین کنند. در این حالت، نوعی مشارکت بین شرکت بیمه و گیرنده تسهیلات روی می‌دهد و گیرنده تسهیلات مجبور به پرداخت هزینه در ابتدای کار نیست. علاوه بر این، شکل‌گیری شرکت‌های بیمه تسهیلات اعتباری و یا فعال شدن صندوق‌های ضمانت در این زمینه باعث تخصصی شدن این خدمت و در نتیجه کاهش هزینه‌های عملیاتی و در نتیجه هزینه‌های بیمه می‌شود.

ذکر این نکته ضروری است که استفاده از ظرفیت صندوق‌های ضمانت برای اجرای طرح بیمه تسهیلات اعتباری بسیار راهگشاست. یکی از زمینه‌های کاری این صندوق‌ها صدور ضمانت‌نامه اعتباری است. در این زمینه پس از انجام بررسی‌های کارشناسی و اعتبارسنجی با اخذ وثایق لازم و دریافت حق‌الزحمه یا کارمزد ضمانت اعتباری برای متقاضی صادر می‌شود. از زمان تحویل ضمانت‌نامه اعتباری به بانک، بانک ملکف است در زمان معینی که در متن ضمانت‌نامه ذکر شده یا مورد توافق صندوق می‌باشد نسبت به پرداخت تسهیلات براساس مصوبه اعتباری خود اقدام کند. در صورتی که متقاضی به تعهدات خود با ذی‌نفع عمل نکند، بانک به‌صورت کتبی و مستند مراتب را به صندوق ضمانت اعلام می‌کند. در متن ضمانت‌نامه فرصتی برای صندوق از زمان تقاضای خسارت در سررسید یا در هنگام تبدیل دیون به حال برای پیگیری مطالبات ذی‌نفع از متقاضی پیش‌بینی شده است. در صورت عدم ایفای تعهدات در مهلت مقرر، صندوق کل خسارت شامل اصل و سود تسهیلات را براساس ضمانت‌نامه به ذی‌نفع (بانک) پرداخت می‌کند. صندوق نیز به‌منظور باز یافت مطالبات و با استفاده از مراجع مربوط نسبت به وصول مطالبات اقدام می‌کند. (موتمنی و شریفی، ۱۳۹۳، ص ۸۲-۸۳).

نکته مهم در مورد صندوق‌های ضمانت این است که دولت‌ها به‌خاطر با ارزش بودن امنیت اقتصادی، بخشی از منابع این صندوق‌ها را تأمین می‌کنند و بهای خدمات ارائه شده توسط این صندوق‌ها پایین است. این منابع به‌صورت خاص در قالب ذخایر فنی و اندوخته‌ها تأمین می‌شود (همان، ص ۱۰۶-۱۱۲). این صندوق‌ها با اتکاء به این منابع، ارائه ضمانت یا بیمه اعتباری را با هزینه پایین (نرخ بین ۱ تا ۲ درصد) ارائه می‌دهند. این نرخ در

شرکت‌های بیمه بالاتر (نرخی بین ۲ تا ۵ درصد) است. بر این اساس، می‌توان برای کاهش هزینه بیمه اعتبارات کلان، تأمین بخشی از منابع شرکت‌های بیمه اعتباری را برعهده دولت گذاشت.

## ۲- ارزیابی روش پیشنهادی

در ارزیابی روش پیشنهادی، به بررسی دو معیار مشروعیت و کارآمدی آن می‌پردازیم. با توجه به اینکه مشخصه اصلی روش تلفیقی پیشنهادی، استفاده از بیمه تسهیلات است، عمده بحث به بررسی مشروعیت و کارآمدی آن اختصاص می‌یابد. بحث عمده در مورد مشروعیت طرح تلفیقی پیشنهادی مدیریت بازگشت منابع، به‌طور عمده به بیمه تسهیلات مرتبط می‌شود. پیشنهاد بیمه تسهیلات سابقه نسبتاً طولانی در ادبیات بانکداری اسلامی دارد. شهید صدر در ضمن بحث از دلایل توجیهی اخذ ربا به سه توجیه جبران هزینه ناشی از وام‌های سوخته، هزینه‌های عملیاتی و سود سرمایه اشاره می‌کند. ایشان برای حل مشکل وام‌های سوخته، استفاده از نهاد بیمه را پیشنهاد می‌کند. بنا به پیشنهاد ایشان بانک بدون ربا می‌تواند از گیرنده وام در حد لازم تضمین کافی دریافت کند و اگر با تمام تدابیر امنیتی همچنان برخی از دیون سوخت شود، بانک می‌تواند از طریق بیمه مشکل را حل کند. به نظر ایشان بیمه کردن تسهیلات از دو طریق زیر امکان‌پذیر است (صدر ۱۴۱۰، ص ۶۹ و ۷۰).

**اول- بیمه تسهیلات توسط بانک:** خود بانک، هر یک از وام‌های پرداختی به وام‌گیرندگان یا کل وام‌های پرداختی در یک سال را نزد شرکت بیمه، بیمه می‌کند. در چارچوب این قرارداد، شرکت بیمه پرداخت وام‌های سوخته را تعهد می‌کند. این در صورتی است که هزینه ناشی از پرداخت حق بیمه کم‌تر از هزینه ناشی از وام‌های سوخته باشد.

**دوم- بیمه تسهیلات توسط گیرنده تسهیلات:** بانک از گیرنده وام می‌خواهد که پرداخت وام را بیمه کند. در این صورت هزینه بیمه (حق بیمه) بر عهده وام‌گیرنده خواهد بود. از نظر شرعی بانک حق دارد فقط به کسانی وام دهد که تضمین کافی

برای بانک بدهند و بانک می تواند تضمین کافی را در قالب بیمه بداند؛ بنابراین فقط به کسانی که بازپرداخت وام را بیمه می کنند، وام می پردازد.

بانک می تواند در جایگاه وکیل گیرندگان وام، با گرفتن درصدی معین، وام آنان را نزد شرکت بیمه، بیمه کند و لازم نباشد خود وام گیرندگان به شرکت بیمه مراجعه کنند. در این صورت بانک می تواند کل وام های پرداختی در یک سال را به وکالت از طرف گیرندگان وام، بیمه؛ سپس هزینه بیمه را سرشکن کرده، از وام گیرندگان دریافت کند.

یکی از تفاوت های طرح شهید صدر و طرح صندوق بیمه دوجانبه این است که در دومی، طرح مشخصی برای به کارگیری وجوه جمع آوری شده در قالب تکافل ارائه شده است. این طراحی تا حدودی به خاطر مشکلاتی است که فقهای اهل سنت در مورد ضمان مطرح می کنند. به نظر آن ها بیمه های متعارف به خاطر سه مشکل نااطمینانی و احتمالی بودن (غرری بودن)، کسب درآمد قماری (قماری بودن) و شائبه وجود ربا (شبهه ربا) با قوانین و الزامات شریعت همسو نیستند. از این رو انجمن فقه اسلامی جده در سال ۱۹۸۵ میلادی نظام بیمه تکافل را به عنوان یک جایگزین مناسب برای بیمه های متعارف تصویب کرد. تکافل در صندوق بیمه دوجانبه یک طرح بیمه اسلامی است که در آن مشتریان بیمه توافق می کنند تا با تجمیع حق بیمه های پرداختی، دیون هر کدام از افراد نیازمند پرداخت شود. در این قالب، بیمه گزاران در سود یا زیانی که از سرمایه گذاری وجوه تکافل در فعالیت های اقتصادی می شود، منتفع می شوند. در این حالت، ریسک ناشی از سرمایه گذاری وجوه تنها متوجه شرکت تکافل یا بیمه نبوده، بلکه همه اعضا به اندازه سهم خود از سود یا زیان فعالیت ها متأثر می شوند. از این رو، در پایان سال مالی، مازاد احتمالی ناشی از فعالیت تکافلی در میان اعضا تقسیم می شود. اساس بیمه تکافل مسئولیت مشترک، غرامت و منافع مشترک اعضا است (رک: اکبرپور ۱۳۹۱، پیغامی ۱۳۸۸).

از دیدگاه فقها و حقوق دانان امامیه، عقد ضمان عقدی شرعی و پذیرفته شده است و نیازی به استفاده از قالب تکافل برای بیمه نیست. هر چند در فقه امامیه مشروعیت بیمه براساس عقد ضمان پذیرفته شده، به کارگیری منابع صندوق بیمه تسهیلات خرد در قالب تکافل و یا الگوی مشارکتی (الگوی مشارکت در سود و زیان) می تواند به تقویت منابع در اختیار برای پوشش مطالبات بانکی کمک کند.

طرح پیشنهادی مدیریت بازگشت منابع به واسطه توجه به دلایل عمده بروز مطالعات معوق و همچنین استفاده از ظرفیت بیمه تسهیلات خرد و کلان، از کارآمدی بالایی برخوردار است. استفاده از بیمه تسهیلات به صورت خاص می‌تواند باعث از بین رفتن زمینه شکل-گیری و افزایش معوقات بانکی شود. هر چند بیمه تسهیلات می‌تواند باعث افزایش هزینه‌های تسهیلات شود، ولی تخصصی شدن بیمه تسهیلات و فرآیند اعتبارسنجی به-تدریج باعث کاهش هزینه‌های بیمه می‌شود. گذشته از آنکه تأمین بخشی از هزینه‌های صندوق‌های بیمه اعتباری توسط دولت باعث کاهش هزینه‌های بیمه تسهیلات شده و در عوض به تقویت کالای عمومی امنیت کمک می‌کند.

### جمع‌بندی و نتیجه‌گیری

در مدیریت بازگشت منابع در نظام بانکی جمهوری اسلامی ایران به‌طور عمده بر جریمه تأخیر یا وجه التزام اتکاء شده است. در این روش سعی می‌شود تا با استفاده از فشار هزینه‌های اقتصادی، گیرندگان تسهیلات را به بازپرداخت به‌موقع بدهی‌های خود ترغیب کنند. هر چند بسیاری از فقهای معاصر، گنجاندن وجه التزام در قراردادهای بانکی را مجاز دانسته‌اند، برخی از فقها اخذ جریمه را به صورت مطلق مجاز نمی‌دانند. گذشته از آنکه گنجاندن این شرط در قراردادهای بانکی نتوانسته مشکل مطالبات غیرجاری بانک‌ها را حل کند، و روند افزایشی این مطالبات شاهدی بر این ماجرا است.

در این تحقیق به بررسی امکان استفاده از روش بیمه تسهیلات به منظور کاهش معوقات در نظام بانکی کشور پرداختیم. یافته‌های این تحقیق که به روش تحلیلی سامان یافته است، نشان می‌دهد که بیمه تسهیلات می‌تواند در کنار راهکارهای تکمیلی از جمله بهبود روش‌های اعتبارسنجی و نظارت موجب کاهش معوقات بانکی شود. در این تحقیق با استفاده از تجربه بانک‌های اسلامی، تشکیل بیمه تسهیلات اعتباری خرد و برای تسهیلات کلان مشارکت شرکت‌های بیمه‌ای در تضمین تسهیلات اعطایی پیشنهاد شده است.



بیمه تسهیلات اعتباری خرد توسط بانک‌ها و مؤسسه‌های اعتباری مدیریت می‌شود. این نوع بیمه در برخی بانک‌های اسلامی از جمله بانک اسلامی اردن با عنوان صندوق بیمه دوجانبه عملیاتی شده است. در این روش، گیرندگان تسهیلات با پرداخت مبلغی به صندوق بیمه، آن را بیمه می‌کنند. در صورت ناتوانی گیرنده تسهیلات از بازپرداخت بدهی، به دلایلی چون ورشکستگی، اعسار و فوت صندوق بخشی از بدهی را به بانک می‌پردازد. برای تشویق گیرندگان تسهیلات به خوش‌حسابی، صندوق بیمه تسهیلات اعتباری خرد، حق بیمه کم‌تری از افراد خوش‌حساب دریافت می‌کند. با هر بار استفاده از خدمات صندوق، تخفیف‌های صندوق متناسب به مبلغ استفاده شده کاهش می‌یابد.

مدیریت بیمه‌های تسهیلات کلان به شرکت‌های بیمه متعارف و یا شرکت‌های بیمه تسهیلات واگذار می‌شود. در این شیوه نیز گیرنده تسهیلات با پرداخت حق بیمه، تسهیلات خود را بیمه می‌کند. در صورت عدم بازپرداخت به‌موقع تسهیلات توسط مشتری بنا به دلایلی از قبیل ورشکستگی، اعسار، نکول بلاوجه و امثال آن، شرکت بیمه مبادرت به بازپرداخت تسهیلات مزبور به بانک کرده و سپس به قائم مقامی بانک به مشتری رجوع می‌کند. به‌منظور تشویق مشتریان به خوش‌حسابی، مشتریان بد حساب بانکی در فهرست سیاه شرکت‌های بیمه قرار می‌گیرند و نمی‌توانند در موارد بعدی از بیمه تسهیلات بهره‌مند شوند. شرکت‌های خوش‌حساب نیز از تخفیف در حق بیمه بهره‌مند می‌شوند.

استفاده از بیمه تسهیلات با دو چالش‌انگیزی و هزینه‌ای روبه‌روست. مشکل اول به مخاطره اخلاقی ناشی از اتکاء بر منابع بیمه و مشکل دوم به افزایش هزینه‌های تسهیلات مرتبط است. مشکل اول را می‌توان با استفاده از راهکارهایی چون تخفیف حق بیمه و همچنین عدم بیمه تسهیلات آتی در صورت بدحسابی عمدی تا حدود زیادی برطرف کرد. با توجه به بالا بودن حجم فعالیت شرکت‌های بیمه، این شرکت‌ها می‌توانند نرخ پایینی برای تسهیلات دریافت و با اعتبارسنجی مناسب از هزینه‌های بیمه‌ای بکاهند. همچنین، این شیوه می‌تواند با تقویت خوش‌حسابی، از هزینه‌های شرکت‌های بیمه کاسته و زمینه کاهش حق بیمه را فراهم کرد.

باید توجه داشت که روش پیشنهادی در زمینه بیمه تسهیلات کلان در عمل ماهیتی بین بیمه و تضمین اعتبار دارد؛ زیرا در بیمه متعارف، شرکت بیمه پس از پرداخت خسارت به بیمه‌گذار مراجعه نمی‌کند؛ ولی در اینجا، شرکت بیمه پس از باز پرداخت تسهیلات بانک سعی در وصول مطالبات بانک می‌کند. این منطبق در آیین‌نامه بیمه تسهیلات پیشنهادی بانک مرکزی نیز دنبال شده است؛ با این تفاوت که در آن آیین‌نامه حق بیمه توسط بانک‌ها و نه گیرنده تسهیلات پرداخت می‌شود. برای اجرایی کردن بیمه تسهیلات کلان می‌توان از ظرفیت صندوق‌های ضمانت استفاده کرد. بدون شک عملیاتی کردن این پیشنهاد نیازمند مطالعات تکمیلی در زمینه‌های شیوه‌های اجرایی اعتبارسنجی، نظارت و بیمه تسهیلات است. تحقیقات بعدی می‌توانند مکمل این پژوهش باشند.

## کتاب‌نامه

## الف. فارسی

آهنگران، محمدرسول و فرشته ملاکریمی: *بررسی فقهی و حقوقی وجه التزام بانکی*، فصلنامه اقتصاد اسلامی، ش ۴۰، ص ۱۳۸۹.

اسلامی، زهرا، شهرزاد فرجی و ندا طاهری، ندا: *بیمه اعتباری، ابزار نوین مالی برای کاهش مطالبات معوق بانک‌ها با رویکرد توسعه نهادهای مالی کشور*، مجله بانک سپه، ش ۱۲۷، ص ۳۲-۳۵، ۱۳۹۰.

اکبرپور، لیلا: *تکافل بیمه‌ای متفاوت*، دنیای اقتصاد، ش ۲۸۱۵، ۱۳۹۱.

بادینی، حسن و محمدعزیز حسامی: *بررسی مبانی فقهی قابلیت خسارت تأدیه وجه نقد از دیدگاه مذاهب اسلامی*، دو فصلنامه فقه و مبانی حقوق اسلامی، ش ۱، ۱۳۹۱.

بجنوری، سیدمحمد موسوی: *مجموعه سخنرانی‌ها و مقالات هشتمین سمینار بانکداری اسلامی*، تهران: مؤسسه عالی آموزش بانکداری ایران، ۱۳۷۶.

بجنوری، سیدمحمد موسوی: *مشروعیت خسارت تأخیر تأدیه*، پژوهشنامه متین، ش ۱۹، ص ۱۳۸۲.

تسخیری، محمدعلی: *شرط کیفری مالی در بانکداری بدون ربا*، فصلنامه فقه اهل بیت (فارسی)، ش ۳۵، ص ۱۳۸۳.

تقی‌نتاج، غلامحسین و حمیدرضا نجف‌پور کردی: *بررسی و تحلیل علل افزایش مطالبات معوق بانک نمونه و راهکارهای پیشگیری و کاهش آن*، تحقیقات حسابداری و حسابرسی، ش ۱۷، ص ۱۳۴-۱۴۳، ۱۳۹۲.

توکلی، محمدجواد: *سازوکار بانکداری اسلامی*، قم: انتشارات بین‌المللی المصطفی، ۱۳۹۲.

جلیلی، محمد و موسی احمدی: *سامانه اعتبارسنجی: راهکار عملیاتی دستیابی به عدالت در نظام بانکی و اعتباری کشور*، فصلنامه علوم انسانی صدرا، ش ۱۰، ص ۳۱۳-۳۱۹، ۱۳۹۳.

جلیلی، محمد، محمد خدایی وله زاقرد و مهدیه کنشلو: *اعتبارسنجی مشتریان حقیقی در سیستم بانکی*، مطالعات کمی در مدیریت، دوره ۱، ش ۳، ص ۱۲۷-۱۴۸، ۱۳۸۹.

جلیلی، محمد: *سامانه اعتبارسنجی مشتریان بانکی و بیمه‌ای مطالعه موردی: تجزیه شرکت مشاوره رتبه‌بندی اعتباری ایران*، پول و اقتصاد، دوره ۲، ش ۴، ص ۲۲۱-۲۴۲، ۱۳۸۹.

حر عاملی، محمد بن حسن: *وسایل الشیعه*، ج ۱۸، بیروت: دارالاحیاء التراث العربی، ۱۴۰۳ق.

حبیبی، سوسن: *بررسی عوامل مؤثر بر بازپرداخت به موقع تسهیلات بانک کشاورزی طی سال‌های ۱۳۶۳-۱۳۷۹*، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، مؤسسه عالی آموزش بانکداری ایران، ۱۳۸۱.

حیدری، حسین: *بررسی راهکارهای بهبود وصول و کاهش مطالبات معوق بانک کشاورزی (مطالعه موردی استان کردستان)*، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه آزاد اسلامی اراک، ۱۳۸۳.

حیدری، هادی، زهرا زواریان و ایمان نوربخش: *بررسی اثر شاخص‌های کلان اقتصادی بر مطالبات معوق بانک‌ها*، فصلنامه پول و اقتصاد، ش ۴، ص ۱۹۱ تا ۲۱۵، ۱۳۸۹.

خمینی، روح‌الله (امام): *تحریر الوسیله*، تهران: مکتبه الاعتماد، ۱۳۶۶.

رستمیان، فروغ و داود طبسی: *بررسی عوامل مؤثر در ایجاد مطالبات معوق بانک‌های تجاری مناطق آزاد تجاری-صنعتی*، مورد مطالعه: *شعب بانک ملت منطقه آزاد کیش*، پژوهشنامه حسابداری مالی و حسابرسی، سال دوم، ش ۶، ص ۱۷۳-۱۹۴، ۱۳۸۸.

شعبانی، احمد و عبدالحسین جلالی: *دلایل گسترش مطالبات معوق در نظام بانکی ایران و بیان راهکارهایی برای اصلاح آن*، فصلنامه برنامه‌ریزی و بودجه، سال ۱۵، ش ۴، ص ۱۵۵-۱۸۱، ۱۳۹۰.

صدر، محمدباقر: *البنک الاربوی فی الاسلام*، بیروت: دارالتعارف للمطبوعات، ۱۴۱۰ ق.

عبدالمجید المالکی، عبدا...، *الموسوعه فی تاریخ الجهاز المصرفی الاردنی*، البنك الاسلامی الاردنی، عمان، ۱۹۹۶ م.  
قطب‌الدین راوندی، سعید بن هبئه الله: *فقه القرآن*، ۲ جلدی، ج ۲، قم: مکتبه آیه الله المرعشی النجفی، ۱۴۰۵ ق.

قلیچ، وهاب: *جریمه تأخیر تأدیه در بانکداری بدون ربا؛ تحلیل مشکلات و ارائه راهکاری جدید*، تازه‌های اقتصاد، ش ۱۳۰، ص ۵۹-۶۵، ۱۳۸۹.

قره‌داغی، علی محیی‌الدین: *بحوث فی فقه البنوک الاسلامیه*، بیروت: شرکه دارالبشائر الاسلامیه، ۱۴۸۲ ق.

مرادی‌راد، نادر: *الگوی مناسب جهت وصول مطالبات بانکی*، کلید؛ فصلنامه تخصصی صنعت وصول مطالبات، دوره دوم، ش ۳، ص ۱۳-۱۸، ۱۳۹۲.

مصباحی مقدم، غلامرضا و حسن جلالی: *کاوشی در حکم فقهی شرط‌های جزائی و تهدیدی در جریمه تأخیر در نظام بانکداری بدون ربا*، پژوهشنامه حقوق اسلامی، شماره ۲۸، ۱۳۸۷.

مؤتمنی، علیرضا و حسن شریفی: *سندوق‌های ضمانت و بیمه سرمایه‌گذاری*، تهران: انتشارات دانشگاه شهید بهشتی، ۱۳۹۳.

موسویان، سیدعباس: *بررسی فقهی - حقوقی قوانین مربوط به جریمه و خسارت تأخیر تأدیه در ایران*، مجله فقه و حقوق، شماره ۴، ۱۳۸۴.

موسویان، سیدعباس: *بررسی راهکارهایی برای حل مشکل تأخیر تأدیه در بانکداری بدون ربا*، در کتاب: *ربا در نظریه و عمل چالش‌ها و راه‌کارها*، قم: مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی (ره)، ۱۳۸۶.

موسویان، سیدعباس: *طرح تحوّل نظام بانکی: اصلاح قانون و الگوی بانکداری بدون ربا*، تهران: پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی، ۱۳۹۰.

موسویان، سیدعباس: *بررسی راهکارهای حل مشکل تأخیر تأدیه در بانکداری بدون ربا*، فصلنامه حقوق اسلامی، شماره ۸، ۱۳۸۵.

موسویان، سیدعباس: *جریمه تأخیر تأدیه (فتاوی مراجع تقلید، قوانین و مقررات بانکی، مقالات علمی)*، تهران: پژوهشکده پولی و بانکی، ۱۳۹۲.

موسویان، سیدعباس: *معاملات بانکی از نظر مراجع تقلید*، ویرایش دوم، تهران: پژوهشکده پولی و بانکی، ۱۳۹۲.

نجف، مرتضی: *موضوع مطالبات معوق در کشور، آسیب‌ها و راه‌حل‌های برون رفت*، فصلنامه تخصصی وصول مطالبات، دوره دوم، ش ۳، ص ۲۳-۲۶، ۱۳۹۲.

نوری، حسین بن محمد تقی: *مستدرک الوسائل و مستنبط المسائل*، ۲۸ جلدی، قم: مؤسسه آل البيت عليهم السلام، ۱۴۰۸ ق.

وحدتی شبیری، سید حسن: *مطالعه تطبیقی خسارت تأخیر تأدیه در حقوق ایران و فقه امامیه*، مجله اقتصاد اسلامی، ش ۱۲، ص، ۱۳۸۲.

هاشمی نودهی، میرمجتبی و مصطفی علی مدد: *بررسی علل ایجاد مطالبات معوق و سررسید گذشته تسهیلات در بانک مسکن طی سال‌های ۱۳۶۵-۱۳۷۶*، پایان نامه کارشناسی ارشد، مؤسسه عالی آموزش بانکداری ایران، ۱۳۷۷.

#### ب. انگلیسی

Sulayman, A: *The Problem of Late Payment in Islamic Banks*, Jeddah: King Abdulaziz University, 2011.

Yaakub, Ezani et al. (213), *Late Payment Charge in Islamic Bank*, The 5<sup>th</sup> International Conference on Financial Criminology.

### پیوست

#### پیوست شماره ۱: آیین نامه صندوق بیمه تسهیلات خرد بانکی

- ۱- عضویت در این صندوق برای اشخاصی که از سوی بانکها و مؤسسه‌های اعتباری تسهیلات خرد دریافت می‌کنند، الزامی است. این افراد باید تمامی بدهی خود به بانک را از این طریق بیمه کنند.
- ۲- هنگامی که مشتری تمام بدهی‌اش را که بیمه کرده، بپردازد؛ ارتباطش با صندوق خاتمه می‌یابد و در صورت دریافت تسهیلات جدید از بانک، موظف به عضویت مجدد در این صندوق است.
- ۳- به افراد خوش حساب تخفیف در حق بیمه و به افراد بد حساب افزایش حق بیمه تعلق می‌گیرد.
- ۴- مبالغ بیمه پرداختی از سوی مشترکان به منزله پرداخت تبرعی (مجانی) محسوب می‌شود و مشترک یا ورثه او حق مطالبه و استرداد آن را ندارند.
- ۵- عضویت در این صندوق مختص اشخاص حقیقی است و مبلغ بدهی بیمه شده نباید از ۵۰۰ میلیون ریال بیش‌تر باشد. البته مدیر عامل بانک می‌تواند با بیمه شدن شرکت‌ها و مؤسسات و همچنین تجاوز از حداکثر مبلغ تسهیلات بیمه شده موافقت کند.
- ۶- مبالغ پرداختی به‌عنوان بازپرداخت تسهیلات مشترکان محسوب می‌شود و هیچ پرداخت نقدی به آن‌ها صورت نمی‌گیرد.
- ۷- خسارت پرداخت شده در این قالب نمی‌تواند از ۵۰ درصد کل بدهی بیمه شده فراتر رود و مبلغ آن نیز حداکثر ۲۵۰ میلیون ریال است.
- ۸- پرداخت خسارت از این صندوق در مواردی چون فوت مشترک، ناتوانی جسمانی دائم او؛ ناتوانی او از بازپرداخت بدهی‌اش به دلیل قطع منابع درآمدی فرد به مدت حداقل یک سال و نبود شی تحت تملک وی تا بتواند با فروش آن بدهی‌اش را بپردازد و امیدی نیز به ایجاد منبع درآمدی در سال آینده نباشد تا بتواند بدهی‌اش را از آن پرداخت کند، انجام می‌گیرد.



۹- در موارد فوت مشترک، شرط استفاده از این تسهیلات آن است که ورثه مابقی بدهی متوفی را بپردازند یا ترتیب پرداخت آن را به شکل مورد قبول بانک، با ارائه ضمانت-های کافی فراهم کنند.

۱۰- هیأت مدیره هر بانک یا مؤسسه اعتباری می‌تواند تمام یا بخشی از مبالغ این صندوق را برای افزایش توان مالی صندوق سرمایه‌گذاری کند.

### پیوست ۲: آیین نامه بیمه اعتباری تسهیلات کلان بانکی

- ۱- متقاضیان تسهیلات از بانکها و مؤسسه‌های اعتباری از سقف ۵۰۰ میلیون ریال به بالا، موظف به ارائه بیمه معتبر تسهیلات می‌باشند.
- ۲- گیرندگان تسهیلات کلان بانکی به‌عنوان ذینفع و بیمه‌گذار عمل می‌نمایند، فلذا رأساً نیز مکلف به پرداخت حق بیمه می‌باشند.
- ۳- در صورت عدم بازپرداخت تسهیلات توسط مشتری بنا به دلایلی از قبیل ورشکستگی، اعسار، نکول بلاوجه و امثال آن، بانکها و مؤسسه‌های اعتباری به شرکت بیمه برای دریافت مطالبات بیمه شده مراجعه می‌کنند. شرکت بیمه مبادرت به بازپرداخت تسهیلات مزبور به بانک نموده و سپس به قائم مقامی بانک به مشتری رجوع می‌نماید.
- ۴- مؤسسه‌های ارائه‌دهنده بیمه اعتباری می‌توانند به برای تشویق خوش حسابی به گیرندگان تسهیلات خوش حساب به‌صورت پلکانی تخفیف در حق بیمه اعتباری اعطا نمایند.
- ۵- مؤسسه‌های ارائه‌کننده بیمه اعتباری می‌توانند حق بیمه را به‌عنوان درصدی از سود حاصل از طرح تأمین مالی شده قرار دهند.
- ۶- از آنجا که بخشی از ذخایر فنی و اندوخته مؤسسه‌های بیمه اعتباری توسط دولت تأمین می‌شود، هزینه بیمه اعتباری نمی‌تواند بیش‌تر از ۵ درصد مبلغ تسهیلات و سود انتظاری آن باشد.

